

بررسی وضعیت فرش دستباف ایران با تأکید بر فرش دستباف روستایی

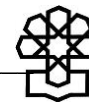
معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی
دفتر: مطالعات زیربنایی

کد موضوعی: ۲۵۰
شماره مسلسل: ۱۵۸۴۲
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۶.....	روش تحقیق
۷.....	یافته‌ها
۷.....	۱. تحلیل دستورالعمل‌های ابلاغی فرش دستباف طی سال‌های (۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷)
۱۲.....	۲. تحلیل قوانین مرتبط با فرش دستباف ایران طی سال‌های (۱۳۹۶-۱۳۳۳)
۱۹.....	۳. خلاصه نتایج مصاحبه‌ها
۲۰.....	اقدام شتابزده برای تشکیل مرکز ملی فرش
۲۴.....	نتیجه‌گیری
۲۹.....	پیشنهاده‌ها
۳۱.....	منابع و مآخذ



بررسی وضعیت فرش دستباف ایران با تأکید بر فرش دستباف روستایی

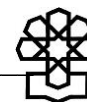
چکیده

فرش دستباف از صنایعی به شمار می‌رود که نقشی اساسی در اشتغال‌زایی و تأمین نیاز اقتصادی خانواده‌ها و در عین حال، رشد اقتصادی کشور دارد. با وجود اینکه قوانین و مقررات متعددی به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی به‌منظور توسعه فرش دستباف به تصویب رسیده است؛ ولی فرش دستباف، رونق سابق خود را به‌خصوص در نواحی عشایری و روستایی ندارد و همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، سهم ایران از بازارهای جهانی از ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۳۱ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. علاوه بر این ارزش افزوده واقعی فرش دستباف ایران (به قیمت ثابت ۱۳۹۰) در دوره (۱۳۸۳-۱۳۹۱) کاهش حدود ۶۰ درصدی را تجربه کرده و از ۱۲۲/۵۳ میلیارد ریال به ۴۹/۵۱ میلیارد ریال رسیده است. به‌نظر می‌رسد مشکلات ساختاری و مدیریتی فرش دستباف، مانع از رشد جهشی و حضور رقابت‌پذیر این صنعت و نقش‌آفرینی آن در الگوی پیشرفت و عدالت و اقتصاد مقاومتی شده است. لذا گزارش حاضر، با هدف تحلیل مشکلات و راهکارهای توسعه فرش دستباف به‌ویژه در ابعاد حقوقی - مدیریتی، با تأکید بر فرش دستباف روستایی تهیه شده است. در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی به‌منظور تحلیل سیاست‌های مدیریت فرش دستباف ایران در دوره ۱۲۹۲-۱۳۹۶، شامل دستورالعمل‌های ابلاغی فرش دستباف طی سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ و قوانین اصلی مرتبط با فرش دستباف طی سال‌های (۱۳۵۰-۱۳۹۶) استفاده شد. همچنین برای شناسایی راهکارهای جامع‌تر به‌ویژه در زمینه توسعه فرش دستباف روستایی، با ۱۷ نفر از صاحب‌نظران و فعالان فرش دستباف مصاحبه شد. در حال حاضر حمایت از بافندگان و سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با توانمندسازی آنها کمرنگ شده است و زنجیره تولید و عرضه فرش دستباف دچار ایرادهای جدی است. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل اساسی فراموشی تدریجی بافندگان به‌خصوص در نواحی روستایی و عشایری، گذار تمرکز حمایت‌های دولتی از بافندگان واقعی به سمت تجار و بازرگانان، کاستی در بدنه ساختاری مدیریت فرش دستباف و ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت فرش دستباف باشد. طبق مصوبه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۰ تحت عنوان «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف»، کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف از سایر دستگاه‌های اجرایی منتزع و در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی تجمیع شد. اجرای این مصوبه سبب از دست رفتن بدنه لازم برای مدیریت فرش دستباف، به‌عنوان یکی از مهمترین هنر صنعت‌های کشور شد که نقش عمده‌ای در تأمین منابع ارزی، توسعه

روستایی و حفاظت از آثار هنری - فرهنگی کشور داشت. در حال حاضر وزارت صنعت، معدن و تجارت فاقد بدنه و مأموریت مناسب و پررنگ در حوزه توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، توسعه روستایی و فقرزدایی است. تمشیت امور هنر صنعت فرش دستباف با ابعاد گوناگون و پراکندگی جغرافیایی وسیعی که دارد، در قالب یک مرکز ستادی تحت عنوان مرکز ملی فرش دستباف در وزارت صنعت، معدن و تجارتی که عمده وقت و همت آن مصروف صنایع بزرگی مانند خودرو، معادن، فولاد و غیره است، نمی‌تواند سبب توسعه مستمر فرش دستباف شود. ساختار سیاستگذاری فرش دستباف باید به نحوی تغییر یابد که پیوندهای پسین و پیشین فرش دستباف با تولیدکنندگان مواد اولیه به‌ویژه با بخش کشاورزی و تولید مواد خام اعم از پشم، ابریشم، رنگ‌های گیاهی در روستاها به شکل بهتری ایجاد شود و تمرکز حمایت‌های دولت از تجار، به سمت حمایت از توسعه زنجیره‌های صادرات محور مردم‌نهاد گذار نماید. لذا بهبود نظام مدیریت و برنامه‌ریزی فرش دستباف امری ضروری به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر برنامه جامع توسعه فرش دستباف، مشتمل بر مؤلفه‌های سیاست‌های تأمین مالی، توسعه زیرساخت‌ها، بازاریابی داخلی و خارجی، حرفه‌آموزی، بهبود امنیت شغلی بافندگان، تأمین بهینه مواد خام، بودجه‌ریزی، بهبود استانداردهای نیروی کار، بهبود رقابت‌پذیری، تولید اطلاعات مدیریتی و به‌کارگیری متخصصان دانشگاهی مجرب باید تدوین و اجرا شود. در این راستا اطلاعات طرح تدوین نظام جامع مدیریت هنر صنعت فرش دستباف ایران باید به‌روزرسانی و استفاده شود. از دیگر راهکارهای عملیاتی برای توسعه این هنر صنعت، می‌توان به مواردی مانند تدوین منابع و اعتبارات بودجه‌ای مجزا (تحت عنوان برنامه توسعه فرش دستباف روستایی) با اهداف روشن و قابل نظارت در قوانین بودجه سنواتی، توسعه «الگوی قراردادی عادلانه با حفظ حقوق قالیبافان»، راه‌اندازی سامانه احراز هویت فرش ایرانی، به‌منظور حفظ هویت و اعتبار فرش ایرانی و جلوگیری از جعل آن توسط کشورهای رقیب و توانمندسازی اتحادیه‌ها و تعاونی‌های روستایی و تعاونی‌های فرش دستباف روستایی برای مدیریت زنجیره تأمین فرش‌بافی روستایی اشاره کرد.

مقدمه

فرش دستباف با توجه به نیاز نسبی اندک به سرمایه و امکانات، از صنایعی به شمار می‌رود که نقشی اساسی در اشتغال‌زایی و تأمین نیاز اقتصادی خانواده‌ها دارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای اشتغال‌زایی، خروج از فقر و توسعه روستایی مد نظر قرار گیرد. فرش دستباف از دیرباز نقش مهمی در ایجاد درآمد مکمل برای روستانشینان و عشایر به‌ویژه در ایام بیکاری فصلی داشته است. افراد فراوانی در مراحل مختلف تولید فرش در بخش‌های مرتبط مانند پرورش گوسفند، شستشوی پشم، ریسندگی، رنگ‌رزی، تولید دار قالی و سایر ابزارهای مورد نیاز، بافت فرش و نهایتاً فروش آن در بازارهای داخلی و خارجی فعال هستند (Goswami, 2009). در نتیجه، این صنعت تقاضای مهمی برای سایر رشته



فعالیت‌های روستایی از قبیل پرورش کرم ابریشم، تولید پشم و کرک، گردشگری روستایی و غیره می‌تواند ایجاد کند. تعداد مشاغلی که در هنر صنعت فرش وجود دارد به بیش از ۷۰ شغل می‌رسد. آمارها حاکی از آن است که کشور ایران، در سال ۲۰۱۳، حدود ۳۱ درصد از فروش و عرضه فرش دستباف در بازارهای جهانی را به خود اختصاص داده بود و بیشترین متوسط سهم سالیانه جهانی از بازار فرش دستباف را در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۳ دارا بوده است (سایت گمرک ایران).

جدول ۱. مقایسه صادرات فرش دستباف ایران با کشورهای رقیب طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۳

(میلیون دلار)

عنوان	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
کل صادرات جهانی	۱۳۰۲	۱۲۷۷	۱۳۷۷	۱۳۲۲	۱۲۷۶	۱۴۲۷	۱۲۴۴	۱۴۶۱	۱۴۴۱	۱۲۳۸	۱۰۰۹
ایران	۵۳۷	۴۹۸	۴۶۱	۴۳۷	۳۹۸	۴۱۹	۴۹۴	۵۵۶	۵۵۹	۴۲۷	۳۱۵
سهم از بازار جهانی (درصد)	۴۱/۲۴	۳۹/۰۰	۳۳/۴۸	۳۳/۰۶	۳۱/۱۹	۲۹/۳۶	۳۹/۷۱	۳۸/۰۶	۳۸/۷۹	۳۴/۴۹	۳۱/۲۲
صادرات	۲۲۱	۲۴۶	۲۷۶	۲۳۹	۲۱۷	۱۸۴	۱۲۸	۱۲۵	۱۲۴	۱۱۴	۱۲۳
پاکستان	۱۶/۹۷	۱۹/۲۶	۲۰/۰۴	۱۸/۰۸	۱۷/۰۱	۱۲/۸۹	۱۰/۳۹	۸/۵۶	۸/۶۱	۹/۲۱	۱۲/۱۹
سهم از بازار جهانی (درصد)	۱۵۴	۱۶۶	۲۶۰	۲۷۴	۲۷۵	۲۹۶	۲۱۶	۳۶۷	۲۳۶	۲۳۱	۲۶۶
صادرات	۱۱/۸۳	۱۳/۰۰	۱۸/۸۸	۲۰/۷۳	۲۱/۵۵	۲۰/۷۴	۱۷/۳۶	۲۵/۱۲	۱۶/۳۸	۱۸/۶۶	۲۶/۳۶
سهم از بازار جهانی (درصد)	۱۳۷	۱۲۰	۱۲۰	۱۱۵	۹۹	۹۲	۶۰	۴۷	۴۰	۳۵	۳۲
صادرات	۱۰/۵۲	۹/۴۰	۸/۷۱	۸/۷۰	۷/۷۶	۶/۴۵	۴/۸۲	۳/۲۲	۲/۷۸	۲/۸۳	۳/۱۷
سهم از بازار جهانی (درصد)	۴۶	۶۶	۶۶	۶۷	۸۸	۸۷	۷۱	۸۱	۱۰۶	۸۹	۸۸
صادرات	۳/۵۳	۵/۱۷	۴/۷۹	۵/۰۷	۶/۹۰	۶/۱۰	۵/۷۱	۵/۵۴	۷/۳۶	۷/۱۹	۸/۷۲
سهم از بازار جهانی (درصد)	*	*	*	*	*	*	۶۸	۷۰	۱۴۹	۷۳	*
صادرات	*	*	*	*	*	*	۵/۴۷	۴/۷۹	۱۰/۳۴	۵/۹۰	*
سهم از بازار جهانی (درصد)	*	*	*	*	*	*	۶۹	۶۴	۷۶	۶۳	*
صادرات	*	*	*	*	*	*	۵/۵۵	۴/۳۸	۵/۲۷	۵/۰۹	*
سهم از بازار جهانی (درصد)											

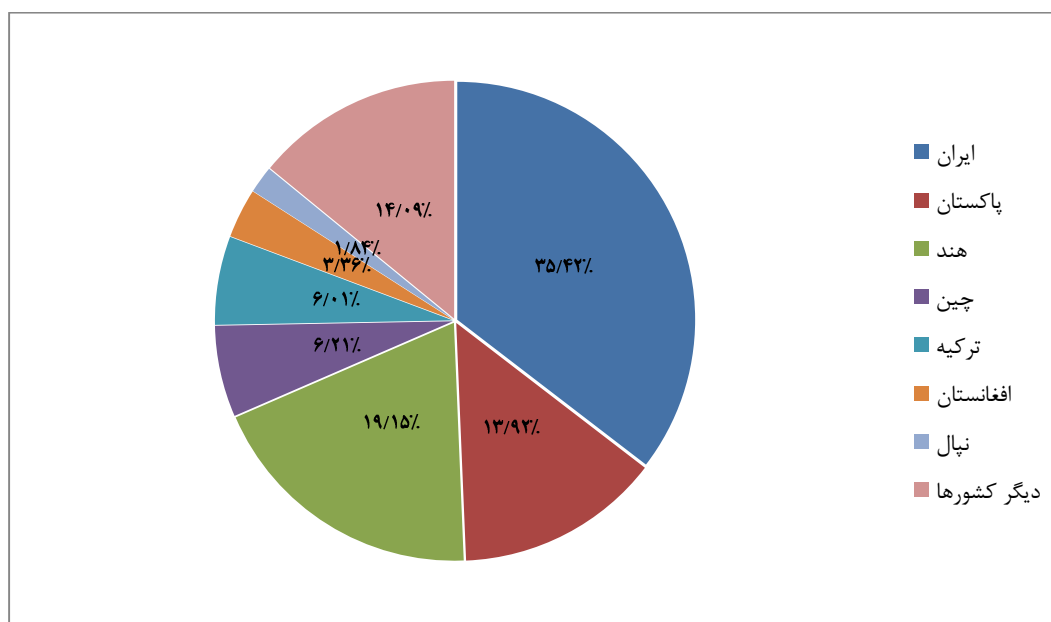
مأخذ: محاسبات تحقیق بر اساس آمار سایت سازمان ملل (www.unstats.un.org).

* آمار مربوط به این سال‌ها در دسترس نیست.

توضیح: طبق آخرین بررسی اطلاعات مربوط به بعد از ۲۰۱۳ به صورت کامل ارائه نشده است.

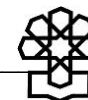
شکل ۱ نیز میانگین سهم سالیانه کشورها را از بازار جهانی فرش دستباف طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۳ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ایران با سهم ۳۵/۴ درصدی بیشترین سهم را در بین کشورهای رقیب داشته است (سایت گمرک ایران).

شکل ۱. میانگین سهم سالیانه کشورها از بازار جهانی فرش دستباف طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۳



مأخذ: محاسبات تحقیق بر اساس آمار سایت سازمان ملل (www.unstats.un.org).

با وجود این، سهم ایران از صادرات فرش دستباف، در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۳ کاهش یافته و از ۴۱/۲۴ درصد به ۳۱/۲۲ درصد رسیده است. برعکس، سهم رقبای ایران مانند هند و ترکیه در حال افزایش بوده است، به نحوی که کشور هند توانسته است سهم خود را از ۱۱/۸۳ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۶/۳۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش دهد و این امر می‌تواند زنگ خطری برای صنعت فرش دستباف ایران باشد. علاوه بر این، سهم فرش دستباف ایران از صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۳ به ۷/۵ درصد بوده است که به ۰/۷ درصد در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است. به عبارت دیگر سهم فرش دستباف از صادرات غیرنفتی کشور در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۳ تقریباً ۹۱ درصد کاهش یافته است (جدول ۲). هرچند بررسی آمار ارزش افزوده فرش دستباف به قیمت‌های جاری نشان‌دهنده رشد ظاهری در این صنعت است، ولی بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که این رشد، واقعی نبوده و ناشی از تورم است. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، ارزش افزوده واقعی فرش دستباف ایران (به قیمت ثابت ۱۳۹۰) در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۱ کاهش حدود ۶۰ درصدی را تجربه کرده و از ۱۲۲/۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۴۹/۵۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ رسیده است. بیشترین کاهش سالیانه در این دوره، به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۱ و ۱۳۸۵-۱۳۸۶ است. این آمار حاکی از نابسامانی و تضعیف فرش دستباف و ارزش افزوده واقعی آن، حتی در دوره‌هایی است که مشکل تحریم جدی هم وجود نداشته است. بنابر اظهار مسئولان و مشاهدات میدانی، شاغلان و میزان تولیدات این صنعت در نواحی روستایی و عشایری نیز نسبت به گذشته کاهش را تجربه کرده است. این در حالی است که روزگاری نواحی روستایی و عشایری کانون اصلی تولید فرش‌های اصیل و صادراتی ایرانی بودند.



جدول ۲. سهم فرش دستباف ایران از GNP کشور در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۳

(میلیارد ریال - درصد)

سال	ارزش صادرات فرش دستباف (میلیارد ریال)	صادرات غیرنفتی (میلیارد ریال)	سهم فرش دستباف از صادرات غیرنفتی (درصد)	تولید ناخالص ملی (میلیارد ریال)	سهم فرش دستباف از تولید ناخالص ملی (درصد)	ارزش جاری (میلیارد ریال)	ارزش به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ (میلیارد ریال)	نرخ رشد ارزش افزوده واقعی فرش دستباف (درصد)
۱۳۸۳	۴۳۵۹/۹	۵۸۲۰۲	۷/۵	۱۵۷۹۷۰۹/۸۰	۰/۲۸	۴۴۲۳/۱۹	۱۲۲/۵۳	—
۱۳۸۴	۴۲۱۲/۷	۹۴۶۴۶	۴/۵	۱۹۶۷۰۱۶/۷۰	۰/۲۱	۴۱۳۰/۷۴	۱۰۳/۷۹	-۱۵/۳
۱۳۸۵	۴۰۰۴/۷	۱۱۹۵۰۵	۳/۴	۲۳۷۳۰۴۹/۹۰	۰/۱۷	۴۰۳۴/۱۸	۹۰/۴۵	-۱۲/۸
۱۳۸۶	۳۶۹۹/۲	۱۴۲۲۱۰	۲/۶	۳۱۴۱۰۰۷/۰۰	۰/۱۲	۳۷۶۹/۲۱	۷۱/۵۲	-۲۰/۹
۱۳۸۷	۴۰۳۵/۱	۱۷۴۶۴۷/۷	۲/۳	۳۷۵۷۶۹۷/۲۰	۰/۱۱	۴۱۳۳/۴۷	۶۲/۵۳	-۱۲/۶
۱۳۸۸	۴۸۹۹/۴	۲۱۷۲۹۱	۲/۳	۳۹۳۴۴۳۳/۵۰	۰/۱۲	۴۷۲۱/۳۲	۶۴/۵۰	۳/۱
۱۳۸۹	۵۷۷۳/۳	۲۷۴۲۳۳/۷	۲/۱	۴۷۹۷۶۲۱/۳۰	۰/۱۲	۵۷۵۷/۱۵	۶۹/۹۵	۸/۵
۱۳۹۰	۶۲۲۴/۳	۳۷۱۷۸۴	۱/۷	۶۲۸۸۷۹۰/۱۰	۰/۱۰	۶۲۸۸/۷۹	۶۲/۸۹	-۱۰/۱
۱۳۹۱	۶۷۵۸/۲	۵۲۱۲۷۱/۷	۱/۳	۷۱۷۸۸۸۱/۸۰	۰/۰۹	۶۴۶۱/۰۰	۴۹/۵۱	-۲۱/۳
۱۳۹۲	۷۸۵۶/۶	۱۰۳۹۷۶۲	۰/۸	—	—	—	—	—
۱۳۹۳	۸۸۱۲/۳	۱۳۳۹۱۰۱	۰/۷	—	—	—	—	—

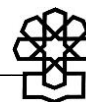
مأخذ: بانک مرکزی و گمرک.

توضیحات: آمار سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به علت عدم دسترسی ذکر نشده است و قیمت‌ها بر اساس نرخ رسمی دلار در هر سال محاسبه گردیده است.

بدون شک، یکی از مهمترین مواردی که می‌تواند در توسعه هر صنعتی از جمله، فرش دستباف مؤثر باشد، وجود نظام مناسب مدیریت و سیاستگذاری به‌منظور تدوین و اجرای سیاست‌های اثربخش است. در شرایط کنونی، چندین دستگاه اجرایی در زمینه فرش دستباف فعالیت دارند که در این میان می‌توان به وزارت صنعت، معدن و تجارت (مرکز ملی فرش ایران و سازمان توسعه تجارت ایران)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موزه ملی فرش ایران)، سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) اشاره کرد. گوناگونی در مراکز تصمیم‌گیری از مهمترین عوامل مشکل‌ساز برای صنعت فرش ایران به شمار می‌آید. به‌طور کلی، بررسی ابعاد مختلف این صنعت در کشور نشان می‌دهد که چالش‌هایی از جمله وجود ضعف اساسی در ابعاد ساختاری، مدیریتی، تولیدی و تجاری در کنار تحریم‌های ظالمانه و عدم اتخاذ راهبردهای فعالانه در این خصوص موجب شده است تا فرش ایران دوره تنزلی را در عرصه رقابت‌های جهانی سپری کند و در شرایط نامناسبی قرار گیرد. هرچند در سال‌های اخیر حرکت رو به‌رشدی در اثر تغییر عوامل بیرونی آغاز شده است، ولی مشکلات ساختاری و مدیریتی فرش دستباف، مانع از رشد جهشی و حضور رقابت‌پذیر این صنعت و نقش‌آفرینی آن در الگوی پیشرفت و عدالت خواهد شد. لذا گزارش حاضر، با هدف تحلیل مشکلات و راهکارهای توسعه فرش دستباف به‌ویژه در ابعاد حقوقی - مدیریتی، با تأکید بر فرش دستباف روستایی تهیه شده است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش مطالعه اسنادی به‌منظور تحلیل سیاست‌های مدیریت فرش دستباف ایران در دوره ۱۳۹۴-۱۳۹۲ استفاده شده است. در این راستا، دستورالعمل‌های ابلاغی فرش دستباف طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷، قوانین اصلی مرتبط با فرش دستباف ایران طی سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۵۰) و اسناد برنامه‌های توسعه درخصوص فرش دستباف بررسی شدند. تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌هایی که تاکنون به‌منظور بهبود و ساماندهی فرش دستباف ایران اتخاذ شده‌اند، می‌تواند شناخت مناسبی را از زیرساخت‌های حقوقی حاصل نموده و درس‌ها و رهنمودهای روشنی را برای بهبود وضعیت آینده صنعت فرش دستباف ارائه نماید. همچنین به‌منظور شناسایی راهکارهای جامع‌تر به‌ویژه در زمینه فرش دستباف روستایی، با ۱۷ نفر از صاحب‌نظران و فعالان فرش دستباف روستایی مصاحبه انجام و نتایج آن با روش نظریه داده‌بنیان، کدگذاری و گزیده نتایج آن در گزارش ارائه شده است.



۱. تحلیل دستورالعمل‌های ابلاغی فرش دستباف طی سال‌های (۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷)

اسناد مورد تحلیل، از نظر زمانی مربوط به سال‌های (۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی) است که در خصوص وضعیت و ابعاد مختلف فرش دستباف کشور، مباحثی را مطرح کرده‌اند. در این راستا تعداد ۱۶۴ سند در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷ (هـ ش) بررسی شد که نهایتاً ۷۹ سند مرتبط با مباحث سیاستگذاری فرش دستباف در ابعاد مختلف تشخیص داده شد. مباحث این اسناد به‌منظور تحلیل بهتر در ۷ دسته طبقه‌بندی شدند.

۱-۱. نقش قالی

به‌طور کلی در اسناد مربوطه، عمدتاً کارکردهایی مانند درآمدزایی برای بافندگان، ارزآوری برای کشور و اشتغال‌زایی مکمل برای روستاییان به‌خصوص در زمان عدم کشت برای فرش دستباف مطرح شده بودند. موضوع فرش دستباف به‌قدری دارای اهمیت بوده که شورای عالی اقتصاد وقت نیز نسبت به آن دغدغه داشته است (علی‌اکبری بایگی، ۱۳۸۱).

۱-۲. استانداردها و شرایط کار

در این بخش ابتدا مشکلات کارگران قالیبافی در محیط کار و سپس پیشنهادها و اقدامات مربوطه ارائه شده است. برخی مشکلات احصا شده عبارتند از:

۱. عدم برخورداری کارگران از حمایت‌های اجتماعی،
 ۲. غلبه سیستم کارمزدی،
 ۳. درآمد اندک برای کارگر و سود سرشار برای تولیدکننده،
 ۴. واسطه‌گری،
 ۵. مشکلات بیمه‌ای کارگران،
 ۶. عدم رعایت بهداشت و ساختمان‌های نامناسب،
 ۷. مساعدت‌های مالی غیراصولی،
 ۸. آمارهای اشتباه در خصوص فعالان این صنعت.
- همچنین در دوره مورد بررسی، پیشنهادها و اقداماتی به‌شرح زیر در حوزه نیروی کار فرش ارائه شده است:

۱. آسایش کارگران در کلیه نقاط ایران،
۲. تهیه نظامنامه بهداشت در دو فصل شرایط لازم بنای کارخانه و شرایط لازم کارگران،
۳. تهیه طرحی برای جلوگیری از استثمار کارگران قالیباف توسط کارفرمایان،
۴. ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح و تغییر برخی مواد قانون کار، ایجاد شرکت‌های تعاونی، تمرکز

کارگاه‌های قالببافی برای جلوگیری از اجحاف کارفرمایان به کارگران و بهبود رفاه و وضع عمومی کارگران قالبباف،

۵. تعیین مجازات سنگین برای کارگاه‌هایی که افراد زیر ۱۲ سال را به کار بگمارند،

۶. خرید دستگاه برای بهبود وضعیت کارگران قالبباف تا عوارض استخوانی و خمیدگی برای کارگران ایجاد نشود،

۷. ارائه پیشنهادهایی برای بهبود دارهای قالی و انتشار کتاب و برگزاری کلاس و تعلیم به صاحبان کارگاه‌های خانوادگی در این زمینه،

۸. بیمه کارگران،

۹. افزایش دستمزد کارگران و مشارکت آنان در سود کارگاه.

۳-۱. نهاده‌ها و عوامل تولید

در این حوزه، اسناد مورد بررسی به مشکلاتی مانند فراهم نبودن پشم کافی و گران بودن پشم و پنبه اشاره داشته‌اند. خرید کل پشم توسط یک نفر، مشکلاتی برای کارخانه قالی و پشم‌فروشان ایجاد کرده بود. برای رفع مشکلات مربوطه، سیاست‌هایی مانند وضع محدودیت بر فروش نهاده‌های خام برای تضمین عرضه کافی با قیمت مناسب برای فرش‌بافی، ممنوعیت ورود نخ‌های جوهری قالی، تجدیدنظر دولت در مقررات سهمیه ورود رنگ‌های مورد مصرف فرش‌بافی و وضع محدودیت بر صادرات نهاده‌ها اتخاذ شده بود. همچنین ممنوعیت به‌کارگیری کارگران خارجی برای قالببافی به‌دلایلی ازجمله تزلزل اصالت و شهرت قالی ایران و جلوگیری از تولید فرش و تقلید مشخصات فرش ایران توسط کارگران و استادکاران خارجی از دیگر سیاست‌های مرتبط بوده است.

۴-۱. صادرات و بازار فرش ایران در خارج

بالا بردن سطح زندگی و بهبود معیشت روستاییان، یکی از اهداف توسعه صادرات فرش دستباف بوده است. با وجود این، مشکلاتی در خصوص صادرات و بازار فرش وجود داشته است که در ادامه مطرح شده‌اند:

۱. نامرغوبی مواد اولیه و مصرف کردن پشم‌های نامرغوب دباغی و رنگ‌های غیرثابت و همچنین تقلب در گره قسمتی از فرش‌ها،

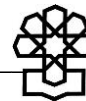
۲. بی‌دقتی بافندگان در ایجاد نقشه‌های جالب‌توجه، فراوانی نقشه‌های قدیمی، استعمال رنگ‌های زننده مخصوصاً قرمز و سرمه‌ای، سستی بافت، حذف کردن ریشه و بلندی کرک فرش،

۳. سوءاستفاده تجار از جواز صادرات فرش،

۴. کاهش صادرات به‌دلیل ناهماهنگی در داخل با تشکیلات فروش و مصرف در خارج،

۵. رکود فرش ایران در بازارهای اروپا و آمریکا به‌واسطه استفاده از رنگ‌های جوهری و سایر معایب

فنی در بافت و نقش فرش‌های صادراتی،



۶. حمایت کشورهای خارجی از مصنوعات داخلی خود و تبدیل کارخانه‌های پارچه‌بافی سابق ایران به کارخانه‌های تهیه فرش و ترویج فرش‌های ماشینی،
۷. افزایش هزینه تولید،
۸. بی‌توجهی بازرگانان صادرکننده به منافع معنوی صنعت و تعهدات ارزی خود،
۹. استفاده از نقشه‌های با کیفیت پایین و نامرغوب.
- برای سازماندهی صادرات و بازار فرش ایران، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده بودند:
۱. علامتگذاری فرش‌های بافت ایران برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های فروشندگان و تجار،
۲. جلوگیری از سوءاستفاده‌ها در خصوص تقلب فروش قالی‌های بافت خارج به نام قالی ایران و پیگیری آن توسط وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها،
۳. توجه در مورد کار قالی ایران و تسهیل و توسعه فروش آن در خارج برای جبران کسری بودجه دولت،
۴. درخواست رفع محدودیت صدور قالی از گمرک،
۵. تهیه نظامنامه استانداردسازی و رتبه‌بندی فرش دستباف،
۶. سازماندهی صادرکنندگان و احراز صلاحیت از طریق دریافت پروانه صدور توسط صادرکنندگان قبل از مبادرت به صدور کالا،
۷. اعلان عمومی استانداردهای صنعتی صادرات فرش دستباف و نواقص موجود برگزاری و ارائه آموزش‌های لازم در خصوص استانداردها،
۸. فراهم کردن منابع مالی نظارت،
۹. تضمین عرضه مواد خام با قیمت مناسب،
۱۰. پیشنهاد ثبت نقشه‌های ایران در خارج از کشور برای جلوگیری از تقلید نقشه‌های قالی ایران در آمریکا و انجام اقدامات برای بهبود کیفیت بسته‌بندی فرش،
۱۱. انجام اقدامات در زمینه افزایش کیفیت تولید از طریق بهبود کیفیت نهاده‌ها، کیفیت رنگ‌آمیزی، رعایت استانداردهای بین‌المللی و بافت بر اساس نقشه متناسب با سلايق روز،
۱۲. اعطای تسهیلات برای صادرات فرش دستباف،
۱۳. درخواست انجام اقدامات در زمینه کنترل و منع صدور فرش ماشینی به منظور جلوگیری از ضربه خوردن اعتبار بازار خارجی فرش دستباف،
۱۴. تشکیل سازمان‌های کارفرمایی قالیبافی برای جلوگیری از رقابت‌های زیان‌بخش و منع صدور فرش‌های نامرغوب،
۱۵. شناسایی مداوم بازارهای جهانی فرش و ورود به بازارهای جدید،
۱۶. ایجاد سازمانی استاندارد برای صدور فرش و کنترل دقیق هر قطعه فرش از طرف این سازمان،

۱۷. دریافت فرمول و طرز تهیه رنگ‌های شیمیایی ثابت از شرکت‌های معتبر، تعلیم طرز تهیه رنگ‌های ثابت گیاهی و رنگ‌های ثابت شیمیایی به رنگرزا و تأمین مالی تبلیغات بین‌المللی با کمک و همکاری عموم تهیه‌کنندگان و صادرکنندگان،

۱۸. مداخله دولت از طریق تأسیس یک اداره یا انجمن مرکزی و دائمی فرش به‌منظور مدیریت تجارت آن،

۱۹. تشکیل کمیته مرکزی برای صنعت فرش به‌منظور تهیه استانداردهای مربوط به مواد اولیه، نقشه، رنگ و بافت از طریق کمیسیون‌های تحت نظر این کمیته،

۲۰. تأمین هزینه تبلیغات از محل صادرات برای بهبود کیفیت و افزایش صادرات فرش ایران،

۲۱. اعطای جوایز و هدایا به قالببافان، ۲۲. تهیه اعتبارات برای اعطای وام به صاحبان کارگاه‌های قالببافی،

۲۳. تأسیس دفاتر نمایندگی در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا،

۲۴. تنظیم قراردادهای بازرگانی جهت کاهش تعرفه‌ها،

۲۵. ایجاد نمایشگاه‌های دائمی در کشورهای اروپایی و آمریکا،

۲۶. جلوگیری از فعالیت مؤسسات رنگرزی فاقد گواهینامه،

۲۷. حمایت و ارشاد و توسعه بازار تولید و فروش فرش و کمک به بازاریابی فرش توسط دولت،

۲۸. ثبت بین‌المللی طرح‌های اصیل ایرانی،

۲۹. تشکیل اتاق فرش برای حمایت صادرات و نظارت به تولید فرش،

۳۰. تسهیل پرداخت‌ها و تعهدات ارزی صادرکنندگان (همان).

۵-۱. نهادسازی

در بعد کلان نهادسازی، اسناد مربوطه راهکارهای زیر را مطرح کرده بودند:

۱. تشکیل هیئتی مرکب از نمایندگان وزارتین صنایع و معادن، بازرگانی، اتاق بازرگانی و شورای عالی اقتصاد، به‌منظور بهبود و توسعه صنعت فرش ایران و رواج آن در داخل و خارج و تهیه و تعمیم کارگاه‌های فنی و مناسب با اصول بهداشت و تشکیل شرکت‌های تعاونی و تولید و مصرف فرش‌بافان و تدارک مواد اولیه خوب و مرغوب و جلوگیری از بافت و صدور فرش‌های جوهری و سایر مشکلات،

۲. پیشنهاد تشکیل شرکت سهامی فرش به‌صورت غیرانتفاعی، به دلیل اینکه دولت باید شرکت فرش را از صورت یک بنگاه انتفاعی صرف، به‌صورت مرکز هدایت فنی و اقتصادی صنعت فرش و پرچم‌دار اصلاحات عمیق در این رشته از صنایع ملی درآورد،

۳. پیشنهاد وزارت کار برای بهبود صنعت فرش در ایران و اینکه باید نظم موجود صنعت فرش دگرگون شده و نظم نوینی مبتنی بر تعاونی شدن تولید فرش جایگزین آن شود.



بررسی اسناد بیانگر آن است که برای ترویج صنعت قالیبافی برنامه‌هایی مبتنی بر الگوی قراردادی تهیه شده بود.

۱-۵-۱. شرکت سهامی فرش

بررسی‌ها حاکی از آن است که اقدامات و برنامه‌های زیر مد نظر شرکت سهامی فرش بوده است:

۱. ارائه تسهیلات در امر فروش به‌خصوص بهبود نوع جنس؛
 ۲. تهیه و فروش اصولی فرش دستباف:
 - تهیه مواد اولیه،
 - بافت خوب،
 - رنگ ثابت،
 - نقشه مطلوب،
 - تبلیغ کافی.
 ۳. بافت فرش‌های اعلا و گران‌بها و فرش‌هایی که بیشتر جنبه هنری و صنعتی داشته باشد،
 ۴. به‌کارگیری نقشه‌های دارای اصالت و ابتکار،
 ۵. تشکیل دبستان‌های حرفه‌ای برای آشنایی کودکان خردسال با اصول صحیح این فن،
 ۶. انجام مکاتبات برای بسط معاملات خارجی به‌منظور پیشرفت امور اقتصادی و تهیه ارز،
 ۷. تشکیل کمیسیونی برای تهیه بهترین نقشه‌های اصیل،
 ۸. استفاده از کارشناسان خارجی برای توسعه تولید و صادرات فرش.
- شرکت سهامی فرش ایران در زمینه تولید، اقداماتی ازجمله بافت فرش‌های مناسب اروپا و آمریکا را مد نظر قرار داده بود که این اقدام نشان می‌دهد که به نیازسنجی و تولید تقاضامحور توجه داشته‌اند. همچنین بررسی اسناد نشان می‌دهد که شرکت سهامی فرش ایران، مواد اولیه را به‌طور امانی در اختیار کشاورزان عضو شرکت تعاونی روستایی قرار می‌داده است.

۱-۶-۱. تولید و عرضه اطلاعات و آمار

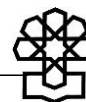
یکی از مباحث اساسی در مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف، تولید و استفاده از اطلاعات و آمار مدیریتی است. بررسی اسناد بیانگر این است که استخراج آمار و اطلاعات مربوط به قالیبافان بر اساس تعداد دستگاه‌های قالی و قالیچه‌بافی در هر یک از نقاط، میزان تقریبی محصول آنها، تعداد کارگران قالیباف مذکور و مؤنث، حد وسط قیمت قالی و قالیچه با تعیین نوع بافت مد نظر بوده است. همان‌طور که اظهار شد، یکی دیگر از اهداف مطالعه حاضر، تحلیل قوانین اصلی در خصوص فرش دستباف بود که در ادامه در دو قالب قوانین و مقررات دائمی و قوانین برنامه‌های عمران و توسعه کشور بررسی شدند.

۲. تحلیل قوانین مرتبط با فرش دستباف ایران طی سال‌های (۱۳۳۳-۱۳۹۶)

۲-۱. قوانین و مقررات دائمی

در راستای بررسی قوانین و مقررات مرتبط با فرش دستباف ایران، تعداد ۲۲ مصوبه قانونی در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۹۶ احصا گردید. تحلیل مصوبات مربوطه حاکی از آن است که عمدتاً اهداف زیر را دنبال کرده‌اند:

۱. حمایت از خرید فرش ایرانی، ایجاد بازار موقت فرش دستی و شناساندن فرش ایران در خارج از کشور،
۲. جریمه متخلفان در صادرات فرش،
۳. توسعه صادرات غیرنفتی و برخورداری صادرکنندگان فرش دستباف از تخفیف پیمان ارزی،
۴. فراهم نمودن زمینه اصلاح و تغییر بافت قالی‌های نامرغوب،
۵. محول کردن تمامی امور مربوط به تأسیس، اداره، سیاستگذاری، انجام مراحل ثبت، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی وقت،
۶. تسهیل معاملات فرش برای اتباع خارجه،
۷. جبران بخشی از خسارت‌های وارد شده به تولیدکنندگان فرش از طریق تمدید مهلت بازپرداخت وام‌های اعطایی،
۸. تأمین اجتماعی قالیبافان خانگی فاقد کارفرما، در برابر حمایت‌های بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت،
۹. حفظ آثار ملی (فرش‌های نفیس)،
۱۰. تجمع کلیه امور مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف، امور تحقیقاتی و پژوهشی مربوط به آن و تهیه ضوابط و الزامات فنی تولید و صادرات و اقدامات حمایتی در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی وقت،
۱۱. واگذاری کلیه وظایف تصدیگری و واحدهای مربوط به تولید، بازرگانی، خریدوفروش در زمینه فرش دستباف به همراه امکانات مربوطه به بخش غیردولتی،
۱۲. واگذاری شرکت سهامی فرش ایران تا پایان سال ۱۳۸۲ به بخش غیردولتی،
۱۳. تصویب اقدامات حمایتی از قالیبافان فرش دستباف، توسط کمیته‌ای با مسئولیت وزیر بازرگانی و با عضویت وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان تأمین اجتماعی ظرف مدت سه ماه و ارائه پیشنهادی لازم به هیئت وزیران،
۱۴. برقراری پوشش بیمه تأمین اجتماعی برای استادکاران و کارگران قالی و فرش دستباف بدون کارفرما و با کارفرما، شاغل در کارگاه‌های خانگی تکباف قالی و فرش و یا تحت پوشش تعاونی‌های قالی و فرش و مجتمع‌های کوچک و بزرگ مربوطه و همچنین شاغلان صنایع دستی خانگی و غیر آن در گروه‌های مصوب شناسه‌دار (کددار) صنایع دستی ایران که به صورت تمام وقت به مشاغل یادشده اشتغال دارند.
۱۵. حمایت از مجتمع‌های قالیبافی تعاونی و خصوصی از طریق:



- اولویت دادن به مجتمع‌های قالبیابی تعاونی و خصوصی در استفاده از منابع و اعتبارات منظور شده برای فرش دستباف در قوانین بودجه سالیانه کل کشور،
- معاف کردن مالکان و بافندگان شاغل در مجتمع‌های قالبیابی (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) از پرداخت هرگونه عوارض و مالیات بر تولید، فروش و صادرات،
- مکلف کردن سازمان بیمه خدمات درمانی به تأمین پوشش بیمه درمان بافندگان شاغل در مجتمع‌های قالبیابی،

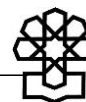
۱۶. برقراری معافیت مالیاتی.

به‌طور کلی اهداف، تاریخ و مرجع تصویب مصوبات قانونی مذکور در جدول ۳ قید شده‌اند. یکی از مهمترین مصوبات در زمینه مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف، مصوبه «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف» است. در حقیقت شورای عالی اداری، به‌منظور افزایش تولید، ارتقای کیفیت و ساماندهی صنعت فرش دستباف، حل مشکلات بازار عرضه و فروش آن، تهیه ضوابط و الزامات فنی برای تولید و صادرات، حفظ جنبه‌های هنری و فرهنگی فرش، کاهش تصدی‌های دولت در امر تولید و فروش و تجمع وظایف دستگاه‌های دولتی موازی مرتبط با صنعت فرش دستباف، تصویب کرد که کلیه امور مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف، امور تحقیقاتی و پژوهشی مربوط به آن و تهیه ضوابط و الزامات فنی تولید و صادرات و اقدامات حمایتی از سایر دستگاه‌های اجرایی منتزع و در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی تجمع شود.

همچنین مصوبه مذکور مقرر داشت کلیه وظایف تصدیگری و واحدهای مربوط به تولید، بازرگانی، خرید و فروش فرش دستباف، از وظایف دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط حذف و همراه با امکانات مربوط به بخش غیردولتی واگذار شود. به‌موجب یکی دیگر از بندهای این مصوبه به‌منظور تصویب اقدامات حمایتی از بافندگان فرش دستباف، مقرر شد کمیته‌ای با مسئولیت وزیر بازرگانی وقت و با عضویت وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان تأمین اجتماعی تشکیل شود تا ظرف مدت سه ماه پیشنهادهای لازم را به هیئت وزیران ارائه نمایند. پیرو این مصوبه، مرکز ملی فرش ذیل وزارت بازرگانی تشکیل شد.

جدول ۳. اهم قوانین و مقررات در خصوص فرش دستباف طی سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۹۶

ردیف	عنوان	هدف قانون	تاریخ تصویب
۱	اجازه شمول معافیت و بخشودگی مالیاتی کارخانه قالیشویی فنی ایران	تسری بند «ی» ماده (۳) قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۲۸ به کارخانه‌های قالیشویی فنی ایران درخصوص بخشودگی‌های مالیاتی	۱۳۳۳/۹/۱۷
۲	قانون خرید فرش ایرانی و سایر اشیاء تزئینی برای باشگاه‌ها و ساختمان‌های اختصاصی وزارت جنگ مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰	حمایت از خرید فرش ایرانی و سایر اشیاء تزئینی توسط وزارت جنگ	۱۳۵۰/۳/۳۰
۳	لایحه قانونی راجع به یک میلیارد و پانصد میلیون ریال وام جهت اجرای طرح ایجاد بازار موقت فرش دستی ایران مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۳	ایجاد بازار موقت فرش دستی ایران از طریق اجرای لایحه مزبور و در اختیار قرار دادن مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون ریال به شرکت سهامی فرش	۱۳۵۹/۴/۲۳
۴	قانون راجع به کاهش جریمه متخلفین در صادرات فرش و لغو لایحه قانونی اصلاح قانون راجع به الحاق یک تبصره به بند «۱۱» ماده (۲۹) قانون امور گمرکی مصوب ۵۹/۴/۲۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران	به موجب این قانون به گمرک ایران اجازه داده شد در مورد تخلف صادرکنندگان، در اظهار کمتر از حد واقعی ارزش فرش‌های صادراتی، بر اساس ضوابط تعیین شده در قانون اقدام نماید.	۱۳۶۰/۱۱/۱۸
۵	قانون برخورداری صادرکنندگان فرش از تخفیف پیمان ارزی در صدور فرش	توسعه صادرات غیرنفتی و برخورداری صادرکنندگان فرش دستباف، به خصوص تعاونی‌های تولیدکنندگان فرش و شرکت سهامی فرش ایران از تخفیف پیمان ارزی نسبت به نرخ‌های تعیین شده توسط کمیسیون نرخگذاری کالاهای صادراتی	۱۳۶۴/۹/۱۳
۶	قانون صدور فرش‌های گره نخورده موجود در کشور منحصراً از گمرک کرمان	جلوگیری از کاهش کوتاه‌مدت صادرات غیرنفتی و فراهم نمودن زمینه اصلاح و تغییر بافت قالی‌های نامرغوب	۱۳۶۷/۱۱/۵
۷	قانون تصویب مواردی در زمینه صدور فرش	تسهیل صادرات فرش	۱۳۷۱/۶/۱۱
۸	قانون انتقال کلیه وظایف مربوط به تأسیس، اداره و نظارت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی	محول کردن کلیه امور مربوط به تأسیس، اداره، سیاستگذاری، انجام مراحل ثبت، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی	۱۳۷۳/۱۱/۲۳
۹	قانون برگزاری کنفرانس بین‌المللی فرش توسط وزارت بازرگانی	نظارت بر امور فرش	۱۳۷۵/۵/۲۸



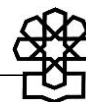
ردیف	عنوان	هدف قانون	تاریخ تصویب
۱۰	قانون اجازه خارج نمودن سه قطعه فرش از کشور جهت شرکت در نمایشگاه فرش ایران در شهر وین اتریش و اعاده مجدد آن به کشور	شناساندن فرش ایران در خارج از کشور از طریق ارائه آن در نمایشگاه	۱۳۷۵/۸/۲
۱۱	قانون قرار گرفتن صد درصد ارز حاصل از صادرات فرش‌هایی که از اول اسفندماه سال جاری صادر می‌گردند در اختیار صادرکنندگان و ضوابط خروج فرش همراه مسافر	اتخاذ تصمیم در خصوص صادرات فرش به‌منظور تنظیم بازار	۱۳۷۵/۱۲/۸
۱۲	قانون اجازه صدور روادید برای اتباع خارجه به‌منظور انجام معاملات فرش به ایران	تسهیل معاملات فرش برای اتباع خارجه در ایران	۱۳۷۶/۵/۱۱
۱۳	قانون تصویب مواردی به‌منظور جبران بخشی از خسارت‌های وارده به تولیدکنندگان فرش	جبران بخشی از خسارت‌های وارد شده به تولیدکنندگان فرش از طریق تمدید مهلت بازپرداخت وام‌های اعطایی	۱۳۷۶/۷/۱۳
۱۳	قانون بیمه بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو	تأمین اجتماعی قالیبافان خانگی فاقد کارفرما، در برابر حمایت‌های بازنشستگی، ازکارافتادگی و فوت با نرخ ۱۴ درصد (۷ درصد سهم دولت و ۷ درصد سهم مشمول) به‌صورت اختیاری	۱۳۷۶/۹/۱۱
۱۴	قانون اجازه واردات ۲۹ قلم کالای مصوب در مقابل صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به‌استثنای پسته و فرش	مستثنا نمودن فرش از شمول واردات ۲۹ قلم کالای مصوب	۱۳۷۷/۱۲/۸
۱۵	قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض	معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه عوارض	۱۳۷۹/۱۲/۱۷
۱۶	قانون حمایت از تأسیس و اداره مجتمع‌های بزرگ و متمرکز قالیبافی	حمایت از مجتمع‌های قالیبافی تعاونی و خصوصی	۱۳۸۰/۱۲/۲۲
۱۷	تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به روادید ورود به ایران برای تجار فرش	انجام اقدامات لازم در خصوص زمان صدور روادید ورود به ایران برای تجار فرش	۱۳۸۱/۲/۱۸
۱۸	قانون استفساریه اخذ یک و نیم درصد (۱/۵٪) از صادرات فرش جهت تأمین بخشی از منابع مالی بیمه قالیبافان و گلیم‌بافان	طبق این قانون مجلس اخذ یک و نیم درصد (۱/۵٪) از صادرات فرش مجاز ندانست و دولت را موظف نمود هفت درصد (۷٪) سهم خود را طبق ماده واحده قانون بیمه بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.	۱۳۸۱/۰۸/۲۲
۱۹	قانون اعطای مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت خروج موقت ۲۵ تخته فرش	هدف از این قانون حفظ آثار ملی بوده و خروج موقت ۲۵ تخته فرش را با رعایت قوانین و مقررات مربوط مجاز دانسته است.	۱۳۸۱/۱۲/۲۶

ردیف	عنوان	هدف قانون	تاریخ تصویب
۲۰	ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف	تجمع کلیه امور مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف، امور تحقیقاتی و پژوهشی مربوط به آن و تهیه ضوابط و الزامات فنی تولید و صادرات و اقدامات حمایتی در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی وقت واگذاری کلیه وظایف تصدیگری و واحدهای مربوط به تولید، بازرگانی، خریدوفروش در زمینه فرش دستباف به همراه امکانات مربوطه به بخش غیردولتی واگذاری شرکت سهامی فرش ایران تا پایان سال ۱۳۸۲ به بخش غیردولتی تشکیل کمیته‌ای با مسئولیت وزیر بازرگانی و عضویت وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان تأمین اجتماعی و تصویب اقدامات حمایتی از قالیبافان و ارائه پیشنهادهای لازم به هیئت وزیران ظرف سه ماه	۱۳۸۲/۱/۲۰
۲۱	قانون اختصاص تسهیلات یارانه‌ای به بخش خصوصی از محل اعتبار ۱۰ ریال خرید گندم در سال ۱۳۸۴ و اختصاص مبلغی از محل منابع داخلی وزارت بازرگانی به منظور ایجاد و احداث مجتمع آموزشی خدماتی فرش دستباف و طراحی نقشه فرش لرستان	تأمین بودجه برای ایجاد و احداث مجتمع آموزشی خدماتی فرش دستباف و طراحی نقشه فرش	۱۳۸۴/۱۲/۱۸
۲۲	قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (کددار)	برقراری پوشش بیمه تأمین اجتماعی برای استادکاران و کارگران قالی و فرش دستباف بدون کارفرما و با کارفرما، شاغل در کارگاه‌های خانگی تکباف قالی و فرش و یا تحت پوشش تعاونی‌های قالی و فرش و مجتمع‌های کوچک و بزرگ مربوطه و همچنین شاغلان صنایع دستی خانگی و غیر آن در گروه‌های مصوب شناسه‌دار (کددار) صنایع دستی ایران که به صورت تمام وقت به مشاغل یادشده اشتغال دارند.	۱۳۸۸/۰۵/۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۲. تحلیل اسناد نظام برنامه‌ریزی در خصوص فرش دستباف

تحلیل اسناد نظام برنامه‌ریزی کشور در خصوص فرش دستباف در قبل از انقلاب نشان داد که بخشی از رویکردهای برنامه‌ریزی معطوف به صنایع کوچک دستی، روستایی و فرش دستباف بوده است. در برنامه اول عمرانی حکم صریحی برای صنایع کوچک، دستی، روستایی و فرش دستباف وجود نداشته است. در



بند «۳» ماده (۹) قانون برنامه دوم عمرانی، سازمان برنامه موظف به حفظ و تقویت صنایع کوچک و دستی و شهری و روستایی گردید، اما در برنامه‌های سوم و چهارم عمرانی حکم صریحی برای صنایع کوچک، دستی، روستایی و فرش دستباف وجود نداشته است. در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶) به‌منظور توجه به افراد ساکن در روستاها و کمک به افزایش بازدهی آنها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های روستایی، استقرار صنایع کوچک در روستاها و همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در تأسیسات زیربنایی روستاها به‌منظور افزایش سطح درآمدی و کاهش مهاجرت از روستاها مد نظر قرار گرفت.

تحلیل اسناد نظام برنامه‌ریزی در خصوص فرش دستباف در زمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که در برنامه اول توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰ - ۱۳۷۴) بخشی از رویکردهای برنامه‌ریزی، معطوف به صنایع کوچک دستی، روستایی و فرش دستباف در جهت ایجاد رشد اقتصادی و افزایش تولید سرانه و اشتغال و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر تولیدات محصولات راهبردی و مهار تورم بوده است. در این راستا یکی از راهکارهای تحقق خط‌مشی مذکور، سازماندهی جامعه روستایی از طریق تعاونی‌های تولیدی، کشاورزی و دامداری و صنایع روستایی و سایر تشکلهای قانونی عنوان شده بود.

در قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۵-۱۳۷۹) احکامی در خصوص صنایع کوچک دستی و فرش دستباف منظور شده بود. در این راستا دولت می‌توانست حسب مورد براساس پیشنهاد وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و نیرو و با تأیید سازمان برنامه و بودجه نسبت به تأمین بودجه مورد نیاز از سرجمع اعتبارات جذب نشده عمرانی کشور برای اجرایی شدن امور مذکور اقدام نماید.

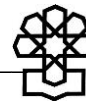
در قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۰-۱۳۸۴) به دولت اجازه داده شد تا در قالب لوائح بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و صنایع کوچک و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در قالب این قانون تأمین کند. در این راستا بخشی از تسهیلات اعتباری سیستم بانکی باید برای حمایت از صنایع کوچک و اشتغال‌زا اختصاص می‌یافت. در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵ - ۱۳۸۹) نیز به دولت اجازه داده شد برای اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی‌کننده توسعه کارآفرینی و صنایع کوچک و متوسط اقدام کند.

در قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، دولت مکلف شد حمایت‌های لازم را از بخش غیردولتی اعم از حقیقی و حقوقی در راستای طراحی، تولید، انتشار و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی به عمل آورد. ازسوی دیگر بر اساس بند «ن» ماده (۱۹۴) قانون برنامه پنجم توسعه دولت موظف شد در راستای ارتقا و بهبود بهره‌وری، تثبیت و افزایش سهم صادراتی فرش دستباف ایران، به امور توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات و توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و مورد نظر برای هویت‌بخشی، ارتقای کیفیت تولید و روان‌سازی، سفارش‌پذیری، حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکت‌های

تعاونی فرش دستباف روستایی و شهری سراسر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی فرش دستباف پردازد. جالب اینکه بررسی گزارش‌ها نظارت بر عملکرد برنامه نشان می‌دهد که هیچ‌گونه شاخصی در خصوص عملکرد این حکم و اثربخشی آن ارائه نشده است.

در قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) احکامی در خصوص صنایع کوچک دستی و فرش دستباف منظور شده که در ادامه آورده شده است. بر اساس بند «ز» ماده (۴) برنامه ششم، دولت مکلف شد به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت، نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید. همچنین مطابق ماده (۲۴) این قانون، دولت مکلف شد با همکاری با اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حداکثر تا پایان اجرای قانون برنامه، تمهیدات قانونی لازم را جهت دستیابی سهم تعاون در اقتصاد به بیست و پنج درصد (۲۵٪)، با رویکرد کارآفرینی، اشتغال‌زایی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و دانش‌بنیان به عمل آورد. از سوی دیگر بر اساس بند «خ» ماده (۴۶) برنامه ششم، دولت مکلف است در راستای تقویت صادرات غیرنفتی و حمایت مؤثر از فعالیت صنایع کوچک و متوسط و دریایی کشور و توسعه فعالیت‌های معدنی، حمایت لازم را از صندوق ضمانت صادرات ایران، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک، بیمه فعالیت‌های معدنی و صنایع دریایی در طی سال‌های اجرای قانون برنامه به عمل آورد. مطابق بند «د» ماده (۴۶) نیز دولت مکلف شده است تا توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات و همچنین توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و مورد نظر برای هویت‌بخشی، ارتقای کیفیت تولید و روان‌سازی، سفارش‌پذیری، حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دستباف روستایی و شهری سراسر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی فرش دستباف را به منظور ارتقا و بهبود بهره‌وری، تثبیت و افزایش سهم صادراتی و بازاریابی‌های داخلی و خارجی به عمل آورد. مطابق بند «چ» ماده (۴۶) نیز باید سپرده‌گذاری ده درصد (۱۰٪) سالیانه (ارزی) از منابع ورودی صندوق توسعه ملی در قبال اخذ خط اعتباری ریالی برای ارائه تسهیلات ریالی به صنایع کوچک و متوسط تعاونی و غیردولتی در چارچوب اساسنامه دائمی صندوق توسعه ملی از طریق بانک‌های عامل دولتی انجام شود.

حال پس از تحلیل ۱۷۴ مورد دستورالعمل ابلاغی در زمینه فرش دستباف طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۵۷ و تحلیل قوانین مرتبط با فرش دستباف ایران در دوره ۱۳۹۴-۱۳۳۳ و نیز بررسی برنامه‌های عمران و توسعه کشور در خصوص فرش دستباف (تا برنامه توسعه ششم) نتایج مصاحبه با ۱۷ نفر از صاحب‌نظران و فعالان فرش دستباف روستایی کشور، به صورت اجمالی ارائه شده است.



۳. خلاصه نتایج مصاحبه‌ها

کدگذاری مصاحبه‌ها، چالش‌های زیر را برای توسعه فرش دستباف احصا کرد: کاهش تعداد بافندگان فرش در مناطق روستایی، کاهش تولید نسبت به گذشته، کاهش تمایل بافنده‌ها به بافت فرش روستایی و گرایش به بافت فرش شهری، جایگاه غیرشفاف فرش دستبافت روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم، عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی مرکز ملی فرش، توانمندی اندک اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دستباف روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی، اثربخشی پایین سازمان‌های غیردولتی، واقع شدن دفاتر تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در شهرها، محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری مناسب و انحراف بخشی از تسهیلات از مسیر قالیبافی، ضعف در سازماندهی بیمه اجتماعی قالیبافان، دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه، عدم توسعه توانمندی‌های قالیبافان، ساماندهی نامناسب کارگاه‌های تولیدی، شرایط نامناسب شغل بافندگی، فقدان صرفه اقتصادی بافت، کم‌توجهی به ارزش‌های کیفی و هویتی فرش دستباف، ساختار نامناسب بازار و تسلط واسطه‌ها، فقدان نظام مناسب بازاریابی در سطح ملی و بین‌المللی، کاهش تقاضا در بازارهای جهانی، افزایش رقابت در سطح بین‌المللی، حمایت ناکافی دولت از صادرکنندگان.

یافته‌ها نشان داد، بافندگان روستایی با محدودیت دسترسی به منابع مالی و اعتباری مواجه هستند و اعتبارات مناسب در اختیار بافندگان واقعی قرار نگرفته و در بسیاری از موارد دچار انحراف شده است. این رویه موجب می‌شود که روستاییان بافنده در تهیه مواد اولیه دچار مشکل شده و برای تأمین مواد اولیه به دلالتان وابسته شوند. در خصوص بحث بیمه نیز مشکلات بسیاری وجود دارد. بافنده‌ای که اصلاً پوشش بیمه‌ای ندارد و آینده وی از طریق بیمه تضمین نشده است، چگونه می‌تواند سال‌ها پشت‌دار قالی بنشیند و به فعالیت و امر تولید بپردازد. با توجه به اینکه بافندگان پس از چندین سال فعالیت قالیبافی دچار انواع بیماری‌ها شده و قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نیستند؛ لذا بیمه، یک ضرورت مهم در تأمین آسایش آنان به‌ویژه در دوران سالخوردگی است. از این‌رو، عدم توجه کافی به این امر از انگیزه آنان برای ادامه فعالیت کاسته و زمینه افول بیشتر قالیبافی را فراهم خواهد کرد. هرچند در این میان، برخی افراد به اسم قالیبافی، از پوشش بیمه‌ای برخوردار شده‌اند. ناکارآمدی اتحادیه صنف قالیبافان در این زمینه، به‌ویژه در خصوص احراز بافنده بودن متقاضیان از دلایل شکل‌گیری این مشکل بوده است.

همچنین به دلیل نبود سازوکاری برای شناسایی سلیقه مصرف‌کننده، اغلب بافندگان توجه چندانی به کیفیت بافت و سلیقه مصرف‌کننده ندارند و از همان طرح‌ها و نقشه‌های قدیمی استفاده می‌کنند. بالا بودن قیمت تمام‌شده فرش ایرانی و ورود فرش‌هایی با قیمت پایین در بازارهای جهانی توسط کشورهای رقیب یکی دیگر از مشکلات فرش دستباف است.

به‌طور کلی، مهمترین عللی که برای کاهش صادرات می‌توان برشمرد عبارتند از: کاهش تقاضای جهانی

فرش دستباف، اطلاع اندک دست‌اندرکاران هنر صنعت فرش دستباف از وضعیت تولید و تجارت فرش در کشورهای رقیب و حتی از وضعیت واردکنندگان این کالا، وجود کالاهای جانشین و مکمل مانند کفپوش‌های صنعتی و ماشینی در کنار تغییر در سبک زندگی و سلاقی مصرف‌کنندگان، تحریم‌ها به‌ویژه در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، بحران‌های مالی در اروپا و رکود اقتصادی در کشورهای اروپایی، بروز ناآرامی‌های سیاسی در برخی کشورهای منطقه، مشکلات مربوط به تولید و افزایش هزینه‌های آن با توجه به افزایش نرخ تورم، حمایت‌های ناکافی از نیروی کار از سوی کارفرمایان و بالا بودن مزایا برای نیروی کار در خارج از صنعت فرش دستباف و کاهش عرضه نیروی کار برای فرش دستباف به دلیل اعطای یارانه نقدی.

علاوه بر این، نبود مراکز فراگیر تهیه و توزیع مواد اولیه در داخل کشور سبب شده است که از ظرفیت‌های موجود مواد اولیه در داخل کشور (مانند پشم) استفاده مناسبی نشود و ابزارآلات و مواد اولیه مورد نیاز بافندگان در بسیاری از موارد با قیمت بالا و کیفیت نامناسب از خارج از کشور تأمین شود. به‌طور کلی تأملی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عمده چالش‌های مذکور ناشی از ضعف در مدیریت اجرایی و سیاستگذاری فرش دستباف روستایی در کشور است. این مشکل ریشه‌ای، براساس مفاهیمی شامل عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی، جایگاه غیرشفاف فرش دستباف روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم، عملکرد نامناسب سازمان‌های دولتی متولی فرش در اجرای وظایف و مسئولیت‌ها و اثربخشی پایین سازمان‌های غیردولتی قابل استنباط است.

اقدام شتابزده برای تشکیل مرکز ملی فرش

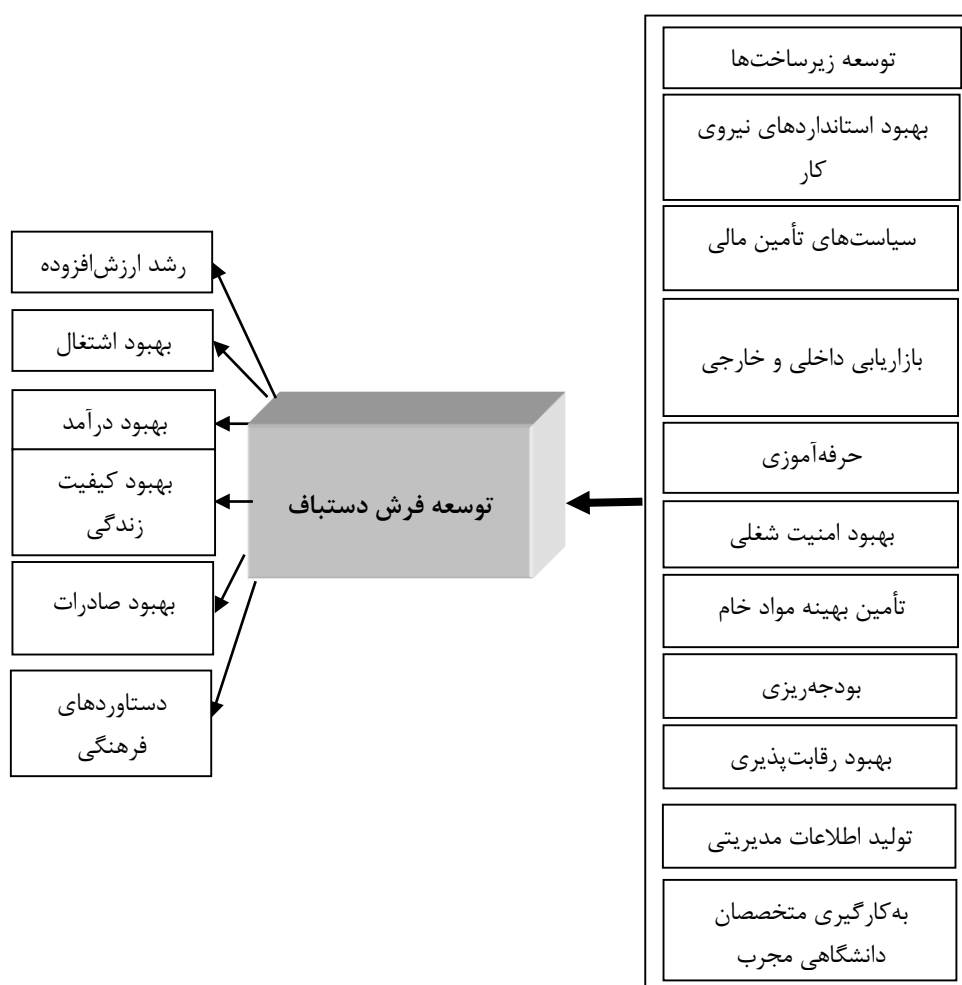
در تکمیل مباحث مربوط به ضعف ساختار سیاستگذاری و اجرایی فرش دستباف در کشور، به چالش‌های متولی کنونی فرش دستباف در توسعه این هنر-صنعت پرداخته می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، شورای عالی اداری در مصوبه «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف»، مقرر داشت که کلیه امور فرش دستباف از سایر دستگاه‌های اجرایی منتزع و در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی تجمیع شود. مصاحبه با مطلعان کلیدی نشان داد که تشکیل این مرکز از فرآیند علمی و متقنی پیروی نکرده است. بنا بر اظهار مطلعان کلیدی، انتخاب وزارت بازرگانی به‌عنوان متولی فرش دستباف، ظاهراً به علت استنفاد وزرای وقت جهاد کشاورزی و صنایع و معادن صورت گرفته است؛ نه اینکه چنین تصمیمی کاملاً بر اساس آسیب‌شناسی و بررسی ماهیت فرش دستباف و مؤلفه‌های اثرگذار بر توسعه آن اتخاذ شده باشد. این مرکز با توجه به وسعت عملیات باید در حد معاونت وزارتخانه طراحی می‌شد، ولی عملاً به سطح اداره کل در وزارت بازرگانی تقلیل یافت. این امر سبب عدم انطباق امکانات و مسئولیت‌های مرکز مذکور در زمینه مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف شد. در حال حاضر این مرکز فاقد استقلال مالی بوده و توانی برای جذب نیروهای متخصص و کارآمد ندارد. ارتباطات این مرکز با سایر نهادها و دستگاه‌های مؤثر بر توسعه فرش دستباف، تعریف و نهادینه نشده است. برای مثال در ایجاد رشته فرش و ظرفیت



جذب دانشجو در این رشته، هماهنگی مؤثری بین مرکز ملی و وزارتخانه مذکور دیده نمی‌شود. بنا بر اظهار برخی از مصاحبه‌شوندگان، مرکز ملی فرش حتی قدرت و اختیار سازماندهی نمایشگاه‌های فرش دستبافی را که در تهران برگزار می‌شوند، ندارد و مجوز برگزاری آنها از طریق دستگاه‌هایی مانند سازمان توسعه تجارت اعطا می‌شود. طبق یافته‌های تحقیق در برخی از سال‌ها، تعداد برگزاری این نمایشگاه‌ها به حدی افزایش می‌یابد که عملاً به ایجاد چالش برای فروشندگان دائمی فرش دستباف در سطح شهر منجر می‌شود.

شایان ذکر است که فرش دستباف دارای ماهیت بین‌بخشی بوده و ابعاد مختلفی از جمله تولید مواد خام مانند ابریشم، پشم، پنبه، رنگ‌های طبیعی، نخ و غیره، آموزش قالیبافان، توسعه تشکلهای قالیبافی (با استفاده از ظرفیت‌های موجود)، بازاریابی و تجارت، تحقیقات، توسعه زیرساخت‌ها و کارگاه‌ها، ایمنی و بهداشت کار و تأمین اجتماعی، و تأمین مالی و اعتبارات دارد که باید در قالب یک برنامه جامع مد نظر قرار گیرد (شکل ۲).

شکل ۲. مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه فرش دستباف



سیاستگذاری چنین برنامه‌های جامعی و نظارت مستمر بر اجرای همه‌جانبه آنها، تنها از عهده یک کمیته یا کمیسیون چندتخصصی بر می‌آید. در صورت اجرای صحیح این برنامه‌ها، دستاوردهایی مانند رشد ارزش افزوده، بهبود اشتغال، توسعه فرهنگی، بهبود درآمد فعالان زنجیره تولید فرش دستباف به‌خصوص بافندگان، بهبود کیفیت زندگی و بهبود صادرات قابل انتظار خواهد بود. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، چنین کمیته‌ای در مصوبه «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف»، پیش‌بینی شده بود. این مصوبه مقرر داشت که کمیته‌ای متشکل از وزرای بازرگانی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان تأمین اجتماعی تشکیل شود تا ظرف سه ماه پیشنهادهای لازم را به منظور حمایت از قالیبافان به هیئت وزیران ارائه دهد. هرچند تشکیل کمیته مذکور در این مصوبه به‌صورت موقتی و ضعیف پیش‌بینی شده است، ولی به هر حال چنین حکمی بر اصل چند تخصصی و بین‌رشته‌ای بودن فرش دستباف صحنه گذاشته است. علاوه بر این، بررسی سوابق، نشان‌دهنده وجود نهادهای بین‌بخشی مشابه در زمینه سیاستگذاری فرش دستباف در سال‌های گذشته است. این نهادها شامل کمیته موضوع بند «م» تبصره «۵» قانون بودجه سال ۱۳۷۶ و میز فرش هستند.

کمیته موضوع بند «م» تبصره «۵» قانون بودجه سال ۱۳۷۶

در سال ۱۳۷۵، به دنبال سقوط حجم صادرات فرش دستباف که در سال‌های پیش در اوج بود^۱، نیاز به توجه به مشکلات و مسائل فرش دستباف کشور بیش از پیش احساس شد. به همین منظور بند «م» تبصره «۵» قانون بودجه سال ۱۳۷۶ مقرر کرد تا کمیته‌ای برای رسیدگی به مشکلات فرش دستباف تشکیل گردد. متن این بند به شرح زیر بود:

«به منظور بررسی و رفع مشکلات و موانع صنعت فرش و فعالیت بافندگان و تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف و تعیین متولی برای این صنعت در کشور، کمیته‌ای به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت مقامات زیر تشکیل می‌گردد:

۱. وزیر امور اقتصادی و دارایی،
۲. وزیر بازرگانی،
۳. رئیس سازمان برنامه و بودجه،
۴. وزیر جهاد سازندگی،
۵. وزیر تعاون،
۶. وزیر صنایع،
۷. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

۱. افزایش غیرمتعارف صادرات در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ ناشی از اجرای سیاست واردات در ازای صادرات بوده و برای نمونه، شرکت ایران خودرو وارد قلمرو صادرات فرش دستباف شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد این افزایش غیرواقعی و پس از تغییر سیاست میزان صادرات به شدت کاهش می‌یابد (مرداسی، ۱۳۹۳).



۸. دو نفر به نمایندگی از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

۹. دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس به‌عنوان ناظر^۱.

وزیر بازرگانی به‌عنوان دبیر کمیته مذکور تعیین و مکلف شد هر سه ماه یک بار گزارش فعالیت کمیته را به کمیسیون‌های امور بازرگانی و توزیع، امور اقتصادی و دارایی و تعاون و امور برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

هرچند قانون بودجه به‌عنوان قانون یک‌ساله، جایگاه حقوقی محکمی برای چنین حکمی نبود، ولی فعالیت این کمیته به یک سال محدود نماند، بلکه تا سال ۱۳۸۰، هر ساله در قانون بودجه، تداوم چنین بندی موجب ادامه حیات کمیته بررسی و رفع مشکلات فرش دستباف شد. بنا به اظهار برخی مطلعان کلیدی، این کمیته عالی‌ترین نهادی بود که به‌طور خاص در خصوص فرش دستباف فعالیت داشته است و می‌توان تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در نیمه‌دوم دهه ۱۳۷۰ در ارتباط با فرش دستباف انجام شد را به فعالیت این کمیته استناد داد (مرداسی، ۱۳۹۳). نکته مثبت این بند، امکان ایجاد مدیریت دولتی یکپارچه در زمینه فرش دستباف بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵).

میز فرش

میز فرش به منظور تحلیل مشکلات و موانع تولید و صادرات فرش دستباف با مسئولیت مرکز توسعه صادرات ایران تشکیل شد و تشکیلات آن در کمیته بند «ع» تبصره «۵» قانون بودجه سال ۱۳۷۸، در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۶ به تصویب رسید. اعضای میز فرش عبارت بودند از: مرکز توسعه صادرات ایران، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، وزارت صنایع، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، اتاق مرکزی تعاون جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شرکت سهامی فرش ایران، سازمان صنایع دستی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه صادرکنندگان فرش ایران. دبیرخانه میز فرش در مرکز توسعه صادرات ایران استقرار داشت و چهار کمیته مشورتی به‌شرح زیر داشت (حشمتی رضوی، ۱۳۸۱ به نقل از مرداسی، ۱۳۹۳):

۱. کمیته تحقیقات و آموزش،

۲. کمیته تبلیغات و بازرگانی،

۳. کمیته تولید،

۴. کمیته اقتصادی.

با وجود سوابق مدیریت بین‌بخشی فوق، در حال حاضر فرش دستباف در مرکز ملی فرش، بدون حاکمیت چنین اصل اساسی و به‌صورت جزئی‌نگرانه، مدیریت و سیاستگذاری می‌شود و این چالش، نقش اساسی در

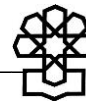
۱. قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور.

عدم توسعه فرش دستباف در کنار عدم استقلال مالی و نیروی انسانی مرکز ملی فرش دارد. به دلیل فقدان چنین رویکردی، ارتباطات و هماهنگی لازم بین مرکز ملی فرش با سایر دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های غیردولتی ایجاد نشده است و در نتیجه، بسیاری از ظرفیت‌های موجود در سطح میدانی مورد غفلت قرار گرفته است. برای مثال یکی از وظایف اساسی و قانونی شرکت‌های تعاونی روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی که در سطح روستاها مستقر هستند، توسعه اقتصاد غیرکشاورزی و مشاغل مربوطه است. این نهادهای غیردولتی که زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی فعالیت می‌کنند، از امکانات و دارایی‌های غیرمنقول نسبتاً مناسبی برخوردارند که در صورت هماهنگی و تقویت آنها و ایجاد شراکت راهبردی بین وزارتخانه‌ای، می‌توان از آنها برای توسعه صنعت فرش دستباف استفاده کرد؛ در حالی که اقدام مشخصی در این زمینه انجام نشده است. به طور کلی، مرکز ملی فرش فاقد ظرفیت اجرایی مناسب برای متشکل کردن بافندگان، سازماندهی خدمات توسعه کسب و کارهای فرش دستباف، بهبود شرایط کارگاهی و تولید، کاهش نقش واسطه‌ها، کاهش قیمت تمام‌شده و استقرار زنجیره ارزش فرش دستباف است. لذا در صورت عدم بازنگری در ساختار مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف، سیاست‌هایی مانند اعطای استقلال مالی و اداری به مرکز ملی فرش، نقش چندانی در بهبود وضعیت موجود نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بررسی اسناد سال‌های ۱۲۹۲ الی ۱۳۵۷ نشان داد که هرچند فرش ایرانی دارای اهمیت بالایی بوده است، ولی در عین حال چالش‌های مختلفی داشته است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نامرغوبی مواد اولیه و مصرف پشم‌های نامرغوب دباغی و رنگ‌های غیرثابت، فراهم نبودن پشم کافی و گران بودن پشم و پنبه، تقلب در گره قسمتی از فرش‌ها، عدم برخورداری کارگران از حمایت‌های اجتماعی، غلبه سیستم کارمزدی، درآمد اندک برای کارگر و سود سرشار برای تولیدکننده، واسطه‌گری، مشکلات بیمه‌ای کارگران، عدم رعایت بهداشت و ساختمان‌های نامناسب، مساعدت‌های مالی غیراصولی، آمارهای اشتباه در خصوص فعالان این صنعت، بی‌دقتی بافندگان در ایجاد نقشه‌های جالب توجه، فراوانی نقشه‌های قدیمی، استعمال رنگ‌های زننده مخصوصاً قرمز و سرمه‌ای، سستی بافت، حذف کردن ریشه، بلندی کرک فرش، سوءاستفاده تجار از مجوز صادرات فرش، حمایت کشورهای خارجی از مصنوعات داخلی خود، تبدیل کارخانه‌های پارچه‌بافی سابق ایران به کارخانه‌های تهیه فرش و ترویج فرش‌های ماشینی، افزایش هزینه تولید، فقدان تشکیلات لازم جهت فروش در خارج و عدم توجه بازرگانان صادرکننده به منافع معنوی صنعت و تعهدات ارزی خود اشاره کرد.

در مقابل چالش‌های مذکور، سیاست‌ها و برنامه‌هایی اتخاذ شده بود که البته تحلیل میزان عملیاتی شدن آنها نیازمند کار تفصیلی است. ولی آنچه که مشخص است، با وجود توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط



از جمله فرش دستباف در اسناد برنامه‌ای در دوره پس از انقلاب اسلامی (عمدتاً در دو دهه اول)، بسیاری از مشکلات مذکور تداوم یافته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که قوانین و مقررات متعددی پس از انقلاب به منظور توسعه فرش دستباف به تصویب رسید که از مقاصد و اهداف آنها می‌توان به مواردی مانند اعطای یک میلیارد و پانصد میلیون ریال وام جهت اجرای طرح ایجاد بازار موقت فرش دستی ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۳، برخورداری صادرکنندگان فرش از تخفیف پیمان ارزی در صدور فرش، تسهیل صادرات فرش، تسهیل صدور روادید برای اتباع خارجه به منظور انجام معاملات فرش به ایران، جبران بخشی از خسارت‌های وارد شده به تولیدکنندگان فرش، فراهم کردن بیمه بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو، مستثنا نمودن فرش از شمول واردات ۲۹ قلم کالای مصوب در راستای حمایت از تولید داخل، حمایت از تأسیس و اداره مجتمع‌های بزرگ و متمرکز قالیبافی و بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار اشاره کرد. اهمیت فرش دستباف به قدری بوده است که حتی ضوابط خروج فرش همراه مسافر از کشور و نیز خروج فرش از کشور جهت شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی در قوانین دائمی تعیین تکلیف شده‌اند. با وجود این، فرش دستباف، به‌ویژه فرش دستباف روستایی، رونق سابق خود را ندارد و همان‌طور که آمارها نشان داد، سهم ایران از بازارهای جهانی از ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۳۱ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. از سوی دیگر، ارزش افزوده واقعی فرش دستباف ایران (به قیمت ثابت ۱۳۹۰) در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۱ کاهش حدود ۶۰ درصدی را تجربه کرده و از ۱۲۲/۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۴۹/۵۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ رسیده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد حمایت از بافندگان و سیاست‌های ناظر بر آنها به‌خصوص در نواحی روستایی به شدت کاهش یافته و تمرکز حمایت‌ها بر بازرگانان قرار گرفته است و این امر می‌تواند سبب تسریع خروج نیروی کار از این بخش و تعطیلی واحدهای خرد و کوچک و حتی متوسط و پیامدهای ناشی از آن به‌ویژه در زمینه ناعدالتی شود.

نگاهی به اهداف توسعه صادرات فرش دستباف در اسناد تاریخی هم نشان می‌دهد یکی از اهداف توسعه صادرات قالی، بالا بردن سطح زندگی و بهبود معیشت روستاییان بوده و فرشبافی به عنوان یکی از راهبردهای تنوع‌بخشی به مشاغل روستایی به شمار می‌رفته است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اساسی فراموشی تدریجی بافندگان به‌خصوص در نواحی روستایی و عشایری و عدم رفع سایر چالش‌های مربوطه، کاستی در بدنه ساختاری مدیریت فرش دستباف و ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت فرش دستباف باشد.

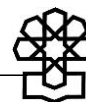
همان‌طور که این تحقیق نشان داد، طبق مصوبه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۰ تحت عنوان «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دستباف»، کلیه امور مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف، امور تحقیقاتی و پژوهشی مربوط به آن و تهیه ضوابط و الزامات فنی تولید و صادرات و اقدامات حمایتی، از سایر دستگاه‌های اجرایی منتزع و در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی جمع شد.

اجرای این مصوبه سبب از دست رفتن بدنه لازم برای مدیریت فرش دستباف، به‌عنوان یکی از مهمترین هنرصنعت‌های کشور شد که نقش عمده‌ای در تأمین منابع ارزی، توسعه روستایی و حفاظت از آثار هنری - فرهنگی کشور دارد. مطابق مصوبه مذکور، کلیه واحدهای دستگاه‌های مختلف در یک واحد سازمانی در حوزه مرکزی وزارت بازرگانی تجمیع شد. چنین رویکردی عملاً به‌دلیل عدم توسعه نظام‌مند و تحت نظارت اتحادیه‌ها و نهادهای غیردولتی مربوطه، زمینه را برای تداوم ارتباط متولی دولتی (مرکز ملی فرش) با بافندگان و تقویت مؤثر آنها از بین برد و سبب شد این مرکز با توجه به محدودیت‌های خود، به دنبال پیشبرد امور فرش عمدتاً از طریق تجار بریاید. بررسی اسناد نشان می‌دهد که «اعطای جوایز و هدایا به قالیبافان» به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی در رونق صنعت فرش دستباف مد نظر قرار گرفته بود، این در حالی است که در حال حاضر، مرکز ملی فرش عمدتاً به تجار و بازرگانان عمده جایزه اعطا می‌کند.

با توجه به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت وظایف فراوانی را بر عهده دارد و مهمتر از آن، صنایع بزرگ معمولاً فرصتی را برای رسیدگی به هنرصنعت فرش دستباف در این دستگاه باقی نمی‌گذارد؛ لذا چشم‌انداز مناسبی برای رشد جهشی و مستمر این هنرصنعت با ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی موجود نمی‌توان متصور شد. اصولاً وزارت صنعت، معدن و تجارت نمی‌تواند به فرش دستباف به‌عنوان یک راهکار اساسی در فقرزدایی و توسعه روستایی نگاه کرده و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط را به‌خصوص در نواحی عشایری، روستایی و شهرهای کوچک به‌صورت گام‌به‌گام و با رویکرد سیستمیک (کل‌نگر) در دستور کار خود قرار دهد.

بررسی‌ها نشان داد که تشکیل مرکز ملی فرش و طراحی ساختار و ظرف سازمانی آن، از فرآیند علمی و متقنی پیروی نکرده است. عدم انطباق امکانات و مسئولیت‌های مرکز مذکور، فقدان استقلال مالی و اداری لازم، تقلیل مرکز به سطح اداره کل در وزارت صنعت، معدن، تجارت، عدم تناسب مأموریت وزارت صنعت، معدن، تجارت با رسالت‌های فرش دستباف، فقدان تعریف سازوکار همکاری و هماهنگی الزام‌آور با سایر نهادها و دستگاه‌های مؤثر بر توسعه فرش دستباف، بی‌توجهی به ماهیت بین‌بخشی فرش دستباف در طراحی ساختار تشکیلاتی مرکز، غفلت از ظرفیت‌های بخش غیردولتی به‌ویژه در نواحی روستایی برای توسعه فرش دستباف و فقدان ظرفیت اجرایی مناسب برای متشکل کردن بافندگان و سازماندهی و ارائه خدمات توسعه کسب‌وکار از چالش‌های ساختاری اساسی در بحث فرش دستباف به شمار می‌روند. لذا در صورت عدم بازنگری در ساختار مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف، سیاست‌هایی مانند اعطای استقلال مالی و اداری به مرکز ملی فرش، نقش‌چندانی در بهبود وضعیت موجود نخواهد داشت. در این راستا، بازنگری در ساختار مذکور امر ضروری به‌نظر می‌رسد.

در این زمینه سناریوهای ساختاری مختلفی پیشنهاد شده است و بعضاً تلاش‌هایی برای ایجاد تغییر وجود داشته است که ازجمله آن می‌توان به انتقال فرش دستباف به وزارت جهاد کشاورزی اشاره کرد که در طرح «انتزاع وظایف و اختیارات بخش کشاورزی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به



وزارت جهاد کشاورزی» صراحتاً مطرح شده بود، ولی در نهایت از متن قانون نهایی حذف شد. انتقال فرش دستباف به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تبدیل مرکز ملی فرش به سازمان ملی فرش دستباف و استقلال ساختار آن از ستاد وزارت صنعت، معدن و تجارت (تبدیل به ساختار مستقل در وزارت صنعت، معدن و تجارت و خروج مرکز از حالت ستادی صرف) و تبدیل مرکز ملی فرش به سازمان ملی فرش زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور از دیگر سناریوهای قابل بحث هستند.

بهترین کار برای اتخاذ تصمیم در خصوص ظرف سازمانی متولی فرش دستباف، تعیین معیارهای ارزیابی سناریوهاست. همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است، چهار سناریوی فوق بر اساس معیارهایی مانند استقلال مالی و اداری، ارتباط با بافندگان، امکان ارائه و ساماندهی خدمات توسعه کسب‌وکار در سطح میدانی و صف، ظرفیت اجرایی و پویایی، نظارت‌پذیری از سوی مجلس شورای اسلامی، میزان سنخیت کارکرد متولی با دستگاه بالادستی (وزارتخانه)، نگاه بین بخشی، توجه به تولید و توجه به تجارت، ارزیابی شده‌اند.

تشکیل سازمان ملی فرش دستباف زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور، هرچند در ظاهر می‌تواند سبب ارتقای جایگاه سیاستگذاری و مدیریت فرش دستباف شود، ولی دارای چالش‌های اساسی است. از جمله آنها می‌توان به عدم امکان نظارت مؤثر مجلس شورای اسلامی بر متولی، تبدیل سازمان به نهاد ستادی و عدم تحقق ظرفیت اجرایی مناسب، افزایش بار اجرایی رئیس‌جمهور و بازماندن وی از وظایف هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی مختلف بر خلاف قانون اساسی اشاره کرد. از عمده‌ترین چالش‌های انتقال مدیریت فرش دستباف به وزارت جهاد کشاورزی، تضعیف ابعاد تجارت فرش دستباف بیان شده است. هرچند برخی کارشناسان معتقدند با تصویب قانون «تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی»، ظرفیت بازرگانی با انتقال سازمان بازرگانی دولتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت به وزارت جهاد کشاورزی تا حدودی شکل گرفته است. از طرف دیگر، طرفداران این سناریو، ارتباط گسترده تعاونی‌های روستایی و اتحادیه‌های مربوطه با وزارت جهاد کشاورزی، سنخیت فرش دستباف با مأموریت وزارت جهاد کشاورزی در حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و توسعه روستایی، تولید اغلب مواد اولیه در بخش کشاورزی، انتقال سازمان بازرگانی دولتی به وزارت جهاد کشاورزی و ایجاد ظرفیت بازرگانی در آن را از دلایل خود بیان می‌کنند. پررنگ‌تر بودن بعد تجارت در وزارت صنعت، معدن و تجارت دلیل عمده طرفداران سناریوی مربوط به این وزارتخانه است، هرچند عدم جایگاه مناسب موضوع فرش دستباف در مقابل اولویت‌های اساسی این وزارتخانه مانند صنایع فولاد، صنعت خودرو، صنایع دریایی، صنایع شیمیایی، پتروشیمی، نساجی، معادن، فقدان بدنه اجرایی دولتی و غیردولتی وزارتخانه مذکور در سطوح صفی و میدانی، عدم ارتباط مؤثر با تولید مواد خام و سازماندهی و تقویت آنها، از ایرادهای این سناریو بیان شده‌اند. انتقال در قالب معاونت به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز چالش‌های اساسی مانند تضعیف بعد تولیدی و تجاری فرش دستباف، عدم نظارت‌پذیری سازمان در برابر مجلس، ظرفیت اجرایی نامناسب خواهد داشت.

جدول ۴. سناریوهای جایگزین مدیریت و سیاستگذاری فرش دستباف و معیارهای ارزیابی آنها

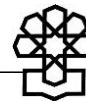
سناریوها	معیارها	تشکیل سازمان ملی فرش دستباف زیر نظر مستقیم رئیس جمهور	تبدیل مرکز ملی فرش به سازمان زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت	انتقال به وزارت جهاد کشاورزی و به سازمان تشکیل سازمان فرهنگ، صنایع دستی و گردشگری	انتقال در قالب معاونت میراث
استقلال مالی و اداری	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب
ارتباط با بافندگان	ضعیف	ضعیف	نسبتاً مناسب	ضعیف	ضعیف
ساماندهی خدمات توسعه کسب و کار در سطح صفی و میدانی	ضعیف	ضعیف	نسبتاً مناسب	مناسب	ضعیف
ظرفیت اجرایی و پویایی	ضعیف	ضعیف	نسبتاً مناسب	مناسب	ضعیف
نظارت پذیری از سوی مجلس شورای اسلامی	ضعیف	ضعیف	مناسب	مناسب	ضعیف
میزان سنخیت کارکرد متولی با دستگاه بالادستی	ضعیف	متوسط	مناسب	مناسب	مناسب
نگاه بین بخشی	مناسب	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
توجه به تولید	ضعیف	ضعیف	مناسب	متوسط	متوسط
توجه به تجارت	ضعیف	ضعیف	نسبتاً مناسب	متوسط	ضعیف

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

فارغ از اینکه کدام یک از سناریوهای فوق توسط قانونگذاران محترم انتخاب شود، تعدادی اصل بنیادین، به شرح زیر در اصلاح ساختار باید مد نظر قرار بگیرد:

۱. باید مجلس بتواند بر متولی فرش دستباف نظارت مستمر و مؤثری داشته باشد.
۲. ساختار متولی باید ارتباط تنگاتنگ با بافندگان، تأمین کنندگان مواد خام و بازاریابان داشته باشد و رویکرد زنجیره ارزش و بهره‌مندی عادلانه بازیگران زنجیره از ارزش افزوده مربوطه را اجرایی کند.
۳. فرش دستباف با مأموریت‌های اصلی دستگاه اجرایی بالادستی سنخیت داشته باشد و در زمره اولویت‌های اساسی آن قرار گیرد.

۴. نهادی تحت عنوان کمیته یا کمیسیون فرش، به عنوان عالی‌ترین رکن در رأس ساختار مذکور وجود داشته باشد تا بتواند رویکرد بین‌بخشی فرش دستباف و هماهنگی‌های الزام‌آور بین دستگاه‌های اجرایی مرتبط را عملیاتی کند. اعضای این کمیته یا کمیسیون باید شامل نمایندگان وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصاد و دارایی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دو نفر عضو هیئت علمی خبره در زمینه فرش دستباف، یک نفر به نمایندگی از صادرکنندگان، دو نفر به نمایندگی از بافندگان باشد.



پیشنهادهای

با توجه به بررسی اسناد تاریخی فرش و قوانین برنامه و سایر قوانین و مصاحبه‌ها، پیشنهادهای زیر به‌منظور توسعه فرش دستباف ارائه می‌گردد:

– برنامه جامع توسعه فرش دستباف، مشتمل بر مؤلفه‌های سیاست‌های تأمین مالی، توسعه زیرساخت‌ها، بازاریابی داخلی و خارجی، حرفه‌آموزی، بهبود امنیت شغلی بافندگان، تأمین بهینه مواد خام، بودجه‌ریزی، بهبود استانداردهای نیروی کار، بهبود رقابت‌پذیری، تولید اطلاعات مدیریتی و به‌کارگیری متخصصان دانشگاهی مجرب باید تدوین و اجرا شود. در این راستا اطلاعات طرح تدوین نظام جامع مدیریت هنر صنعت فرش دستباف ایران باید به‌روزرسانی و استفاده شود. در نهایت، دستاوردهای این برنامه بر اساس شاخص‌های مختلف در حوزه‌های رشد ارزش‌افزوده، بهبود اشتغال، دستاوردهای فرهنگی، بهبود درآمد بازیگران زنجیره تولید فرش دستباف به‌خصوص بافندگان، بهبود کیفیت زندگی و بهبود صادرات باید ارزیابی شود.

– از آنجایی که وزارت صنعت، معدن و تجارت فاقد بدنه و مأموریت مناسب و پررنگ در حوزه توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، توسعه روستایی و فقرزدایی است، جایگاه نهادی فرش دستباف باید به نحوی اصلاح شود که پیوندهای پسین و پیشین فرش دستباف با تولیدکنندگان مواد اولیه به‌ویژه با بخش کشاورزی و تولید مواد خام اعم از پشم، ابریشم، رنگ‌های گیاهی در روستاها به شکل بهتری ایجاد شود و تمرکز حمایت‌های دولت از تجار، به سمت حمایت از توسعه زنجیره‌های صادرات‌محور مردم‌نهاد گذار نماید. چهار اصل بنیادین و معیارهای ارزیابی سناریوهای جایگزین که در انتهای بخش نتیجه‌گیری مطرح شدند، باید در اصلاح ساختار مورد توجه جدی قانونگذاران محترم قرار گیرد.

– با توجه با اینکه در بسیاری از سال‌ها برنامه مستقلی در بودجه‌های سنواتی برای فرش دستباف وجود نداشته و اعتبارات فرش دستباف، به‌عنوان بخشی از برنامه‌های ازجمله توسعه صنایع نساجی، دستی و روستایی و چرم و یا برنامه بهبود و توسعه صادرات آورده شده است، پیشنهاد می‌شود برای رشد، توسعه و ارتقای کیفیت فرش دستباف روستایی و بهبود نقش آن در توسعه روستایی، منابع و اعتبارات بودجه‌ای مجزا (تحت عنوان برنامه توسعه فرش دستباف روستایی) با اهداف روشن و قابل نظارت در قوانین بودجه سنواتی در نظر گرفته شود. در این برنامه باید مشخص باشد که اعتبارات مذکور چه تأثیری بر بهبود معیشت روستاییان و حضور آنها در بازارهای صادراتی خواهد داشت.

– به‌دلیل نبود الگوی مناسب برای تولید و ساماندهی امر تولید، باید ایجاد و توسعه «الگوی قراردادی عادلانه با حفظ حقوق قالیبافان»، ملاک عمل قرار گیرد. در این الگو همانند آنچه که در کشاورزی مطرح است، نهاد کارفرما طی قراردادی که با بافندگان منعقد می‌کند، تعهد می‌کند که آنها را آموزش دهد، نهادهای باکیفیت و طرح‌های متناسب با سلیق بازار در اختیار آنها قرار دهد، بیمه را برای بافندگان فراهم کند و پس از اتمام بافت، فرش را با قیمت مناسب از بافنده خریداری کند. مشابه چنین الگویی نیز در اسناد تاریخی فرش دستباف

تحت عنوان «تشکیل سازمان‌های کارفرمایی قالبیابی برای جلوگیری از رقابت‌های زیان‌بخش در زمینه حمایت از صنعت فرش و افزایش تولید و بهبود آن در داخل کشور» پیش‌بینی شده بود. در صورت تحقق این الگو، بسیاری از مشکلات از جمله تسلط واسطه‌ها، عدم دسترسی به نهاده باکیفیت و نقشه مناسب، عدم اطلاع مناسب بافندگان از ترجیحات مصرف‌کننده داخلی و خارجی، انحراف بخشی از اعتبارات بانکی از مسیر فرش‌بافی، عدم پوشش مناسب بیمه اجتماعی قالبیابان از بین می‌روند. البته برای تحقق دستاوردهای عادلانه‌تر، بهتر آن است که اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی متشکل از خود بافندگان بتوانند نقش کارفرما را ایفا کنند.

– نهادهای غیردولتی تخصصی از جمله تعاونی‌های روستایی و تعاونی‌های فرش دستباف روستایی، زنجیره تأمین فرش‌بافی روستایی را به‌خصوص در زمینه تولید مواد اولیه مرغوب، نقشه‌های به‌روز، تجهیزات استاندارد بافندگی، اعتبارات و بازاریابی را در روستاها مستقر نمایند.

– با توجه اقلیم کشور و همچنین ظرفیت‌های فراوانی که در زمینه تولید پشم در داخل کشور وجود دارد، از این ظرفیت‌ها باید به‌طور سازماندهی شده و برنامه اقدام مشخص، در تولید نخ قالبیابی استفاده شود. در این صورت علاوه بر افزایش کیفیت فرش‌های تولیدی، ظرفیت‌های اشتغال جدیدی برای کسانی که در بخش تولید نخ کار می‌کنند فراهم می‌شود. علاوه بر این باید تمهیداتی اتخاذ شود که از ورود مواد اولیه بی کیفیت مثل رنگ‌های بی کیفیت که به‌شدت بر روی کیفیت بافت تأثیر می‌گذارد، به داخل کشور جلوگیری شود.

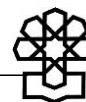
– توان فنی و تخصصی در زمینه بازاریابی داخلی و بین‌المللی فرش دستباف، به‌ویژه در سطح اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی باید تقویت شود و در این زمینه سازمان مرکزی تعاون روستایی، اتحادیه‌های تعاونی فرش دستباف و وزارت صنعت، معدن و تجارت نقش اساسی باید ایفا کنند.

– به‌منظور حفظ هویت و اعتبار فرش ایرانی و جلوگیری از جعل آن توسط کشورهای رقیب، شناسنامه فرش‌های صادراتی تهیه شود و با ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی، شرایطی فراهم شود که خریدار با مراجعه به این پایگاه از صحت هویت فرش خریداری شده اطمینان حاصل کند.

– دولت باید زمینه افزایش سهم بافندگان روستایی از ارزش افزوده نهایی فرش دستباف را به‌خصوص از طریق توسعه و تقویت نهادهای غیردولتی اجتماع‌محور دانش‌بنیان (با تعامل دانش‌آموختگان مجرب و جامعه محلی) و بهبود سرمایه اجتماعی افقی و عمودی فراهم کند تا از این طریق انگیزه بافندگان بهبود یافته و امکان تلاش مؤثرتر بافندگان در افزایش کیفیت تولیدات فرش دستباف فراهم شود.

– با توجه به اینکه در حال حاضر مرکز ملی فرش در راستای سیاست «اعطای جوایز و هدایا به قالبیابان»، عمدتاً به تجار و بازرگانان عمده جایزه اعطا می‌کند. تغییر تمرکز از اهدای جوایز به واسطه‌ها و تجار، به اعطای جوایز کیفیت به قالبیابان روستایی و کارآفرینان واقعی این صنعت ضرورت دارد.

– به‌منظور سازماندهی صادرات فرش دستباف روستایی و جلوگیری از فعالیت صادرکنندگان غیرحرفه‌ای، استانداردهای مناسب برای صادرکنندگان تعریف شود و بر اساس این استانداردها به آنها

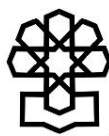


مجوز صادرات داده شود. همچنین، در راستای ارتقای رقابت، نظام رتبه‌بندی بافندگان و صادرکنندگان ایجاد شود. شایان ذکر است که وظایف فوق باید با محوریت متولی جدیدی پیگیری شود که در بند دوم پیشنهادها مطرح شد.

منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال‌های مختلف.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی، نماگرهای اقتصادی سال‌های مختلف.
۳. تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به روادید ورود به ایران برای تجار فرش.
۴. حشمتی رضوی، فضل‌ا... . مدیریت هنر و صنعت فرش ایران. انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۵. رضوانی، محمدرضا و دیگران. شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ملایر)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۳ (۱۱)، ۱۳۹۲.
۶. علی‌اکبری بایگی، علی‌اکبر. اسنادی از صنعت فرش ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۲ ه.ش)، مرکز اسناد ریاست جمهوری (۲، ۱)، ۱۳۸۱.
۷. قانون اجازه خارج نمودن سه قطعه فرش از کشور.
۸. قانون اجازه صدور روادید برای اتباع خارجه به منظور انجام معاملات فرش به ایران.
۹. قانون اجازه واردات ۲۹ قلم کالای مصوب در مقابل صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به‌استثنای پسته و فرش.
۱۰. قانون استفساریه اخذ یک‌ونیم درصد (۱/۵٪) از صادرات فرش جهت تأمین بخشی از منابع مالی بیمه قالیبافان و گلیم‌بافان.
۱۱. قانون اعطای مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت خروج موقت ۲۵ تخته فرش.
۱۲. قانون انتقال کلیه وظایف مربوط به تأسیس، اداره و نظارت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی.
۱۳. قانون برخورداری صادرکنندگان فرش از تخفیف پیمان ارزی در صدور فرش.
۱۴. قانون برگزاری کنفرانس بین‌المللی فرش توسط وزارت بازرگانی.
۱۵. قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور.
۱۶. قانون بیمه بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو.
۱۷. قانون تصویب مواردی به‌منظور جبران بخشی از خسارت‌های واردشده به تولیدکنندگان فرش.
۱۸. قانون تصویب مواردی در زمینه صدور فرش.
۱۹. قانون حمایت از تأسیس و اداره مجتمع‌های بزرگ و متمرکز قالی‌بافی.
۲۰. قانون خرید فرش ایرانی و سایر اشیای تزئینی برای باشگاه‌ها و ساختمان‌های اختصاصی وزارت جنگ مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰.
۲۱. قانون راجع به کاهش جریمه متخلفین در صادرات فرش.
۲۲. قانون صدور فرش‌های گره‌خورده موجود در کشور منحصراً از گمرک کرمان.
۲۳. قانون قرار گرفتن صددرصد ارز حاصل از صادرات فرش‌هایی که از اول اسفندماه سال جاری صادر می‌گردند در اختیار صادرکنندگان و ضوابط خروج فرش همراه مسافر.

۲۴. قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض.
۲۵. لایحه قانونی راجع به یک میلیارد و پانصد میلیون ریال وام جهت اجرای طرح ایجاد بازار موقت فرش دستی ایران مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۳.
۲۶. مجلس شورای اسلامی، برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۹۴.
۲۷. مجلس شورای ملی، برنامه‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۵۶.
۲۸. مرداسی، فیصل. مدیریت فرش در دوره معاصر (انتشار نیافته)، ۱۳۹۳.
۲۹. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران، تدوین نظام جامع مدیریت هنر صنعت فرش دستباف، ۱۳۸۵.
۳۰. مرکز اسناد، مدارک و انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، قوانین بودجه سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۹۴.
۳۱. مصوبه اجازه شمول معافیت و بخشودگی مالیاتی کارخانه قالیشویی فنی ایران.
۳۲. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، گزارش‌ها اقتصادی و نظارت بر برنامه‌های توسعه، سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۴.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۸۴۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی وضعیت فرش دستباف ایران با تأکید بر فرش دستباف روستایی

نام دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه توسعه روستایی)

تهیه و تدوین کنندگان: حجت ورمزیاری، بهروز رازانی

ناظران علمی: حسین افشین، محسن صمدی

همکار: سعید شجاعی

متقاضی: کمیسیون کشاورزی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. فرش دستباف

۲. مشکلات ساختاری و مدیریتی

۳. برنامه‌های توسعه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸